

میهن انقلابی مادر لحظه کنونی

توطئه امریکائی تجاوز دار و دسته صدام چگونه طرح ریزی شد؟

این مقاله برای درج در شماره ۸ «دنیای» تهیه شده است. از آنجا که تا انتشار آن در «دنیای» مدتی به طول خواهد انجامید، نظر به اهمیت ارزیابی‌هایی که در آن انجام گرفته است، متن آن را در شماره امروز نامه «مردم» به چاپ می‌رسانیم.

تلاشهای امریکا برای فرار از قبول و اجرای شرایط ایران در مورد

<p>«گروگانها» بیهوده است</p> <p>ترجیح داده که این مسئله را با بعد سیاسی حل کند.</p> <p>آقای نخست‌وزیر تاکید کردند که:</p> <p>وضع ما در این زمینه روشن بقیه در صفحه ۲</p>	<p>آقای نخست‌وزیر اضافه کردند: «ما امیدوار بودیم که دولت امریکا، که سعی در آزادی گروگانها داشت، بدنبال يك نوع مذاکرات طولانی نرفت. اما آنچه مسلم است، دولت امریکا</p>	<p>و فروش نفت به نحوی می‌تواند با گروگانها مرتبط باشد» گفتند: «از نظر ما مسئله گروگانها تمام شده است و اظهار نظر مجلس هم بسیار گویا و روشن بوده».</p>	<p>طبق خبر خیرگزاری پارس، آقای محمدرضا رجائی نخست‌وزیر، در مصاحبه مطبوعاتی، در پاسخ به این سؤال که: «آیا محاصره اقتصادی ایران، تعلیق دارائی‌های ایران و روابط خارجی</p>
--	---	---	---

مدافعان انقلاب در جبهه جنگ پیشروی خود را آغاز کرده‌اند

امروز صبح با اجرای آتش دقیق توپخانه، موفق شد مزدوران بعث عراق را در شمال رودخانه کرخه کور از مواضع اشغالیشان و آوار به عقب‌نشینی کند.

خبرنگار دفتر مرکزی خیر ظهردیروز از آبادان گزارش داد که نبرد شدید میان مدافعان انقلاب و متجاوزان عراق در اطراف شهر آبادان و جاده ماهشهر-آبادان همچنان ادامه دارد و رزمندگان ما در برخی از قسمتهای این جبهه به پیروزیهای دست‌یافته و شروع به پیشروی کرده‌اند.

خبرنگار خیرگزاری پارس نیز گزارش داد که صبح دیروز در اطراف آبادان رزمندگان اسلام، دو انبار و یک خودروی حامل مهمات مزدوران عراقی منهدم شده.

اخبار دیگری که دیده‌بانان انقلاب در خط مقدم جبهه در اختیار خیرگزاری پارس قرار دادند حاکیست که در طول یکشنبه شب، بمات آتش شدید نیروهای مدافع انقلاب اسلامی ایران مزدوران عراقی حدود ۲ کیلومتر دیگر از مواضع خود عقب‌نشینی کردند.

قول يك مقام موثق در اهواز گزارش داد که «روز گذشته مدافعان اسلام در جبهه اهواز تلفات سنگینی بر دشمن متجاوز وارد ساختند. در نبرد روز گذشته، جمعا ۲۶ دستگاه تانک، دو دستگاه خودرو، يك دستگاه بولدوز و ۱۴ دستگاه خودروی حامل مهمات دشمن منهدم شد و چند صد تن از مزدوران بعث عراق به هلاکت رسیدند و ۲۶ تن نیز اسیر شدند.

خبرنگار خیرگزاری پارس همچنین طی تماسی با فرمانده لشکر اهواز کسب اطلاع کرد که ارتش جمهوری اسلامی ایران

به گزارش دفتر مرکزی خیر از اهواز، که ساعت ۱۲:۴۰ ظهر دیروز اعلام شده است، به سبب تضعیف روحیه نیروهای متجاوز صدامی بر اثر شکستهای پی در پی و مقتضات در جبهه‌های جنگ خوزستان و عقب‌نشینی دشمن در اکثر جبهه‌ها، دلاوران رزمندگان انقلاب، سنگرها و مواضع مزدوران صدام در دب خردان و اطراف کارخانه تورد را شدیداً زیر آتش توپخانه خود قرار دادند، که تا ساعت ۱۴ دیروز نیز این نبرد ادامه داشته است.

خبرنگار خیرگزاری پارس از

چه کسانی از سیاست حمله و اشغال سود می‌برند؟

حزب توده ایران باهرگونه نقض قوانین و در راس آن حمله و اشغال مخالف است و اینگونه شیوه‌ها را، که طراح اصلی آن امپریالیسم و ضدانقلاب است، بسزیا انقلاب و جمهوری اسلامی ایران می‌داند.

بما یار دیگر مصرا نه می‌خواهیم، همانطور که در مورد «میزان» عمل شد، دفاتر حزب توده ایران در اسرع وقت بما برگردانده شود.

صبح روز سه‌شنبه گذشته (تاسوعا) گروهی به دفتر روزنامه «میزان» حمله کردند و ضمن شکستن وسائل آن، شماره‌های مینی بر مخالفت با انتشار این روزنامه بر دیوارهای آن نوشتند. ساعتی بعد ماموران کمیته این گروه را از دفتر «میزان» اخراج و دو تن از آنها را دستگیر کردند. عصر روز چهارشنبه گذشته (عاشورا) نیز، هنگام سخنرانی استاد محمدتقی شریعتی، گروهی چاقو بندست به «کانون نشر حقیق» در مشهد حمله کردند و اثاثیه آنجا را درهم شکستند و چند نفر را مجروح کردند.

این حملات، که برای اولین بار انجام نگرفته و سلسله در سورت عدم مبارزه قاطعانه با آن، آخرین هم نخواهد بود، هتدار-دهنده و عبرت‌آموز است.

برای رسیدن به ریشه‌های این حملات - که خود حلقه‌ای از زنجیره طولانی حملات چاقوآوران از آستانه انقلاب تا امروز است - باید به زمینه‌های که این حملات بر متن آن انجام شده است، توجه کرد و دید که چرا ناگهان در لحظه معینی بخصوص به روزنامه «میزان» و «کانون نشر حقیق» مشهد حمله میشود و چه نتایجی از آن مورد نظر طراحان حمله است؟

در روزهای قبل از این حملات، جامعه ما سرگرم چنجالی بود که محافل معینی زیر پرچم «آزادی» برپا کرده بودند. گفته میشد که در ایران آزادی از بین رفته است، «هیچکس حق حرف زدن ندارد» و خلاصه در ایران فاشیسم مستقر شده یا در حال استقرار است. هسته اصلی این تبلیغات هم عبارت از این بود که «حتی مسلمانها هم نمی‌توانند حرف خود را بزنند».

چه کسی این «آزادی»ها را سلب کرده بود؟ همان محافل،

تسلیت

با تاسف فراوان اطلاع یافتیم که مادر گرامی رفیق عزیز ما انوشیروان ابراهیمی، عضو هیئت سیاسی و دبیر کمیته مرکزی حزب توده ایران، که یکی از زنان مبارز کشور ما بود، در گذشته است.

ما این ضایعه را به رفیق عزیز انوشیروان ابراهیمی و خانواده محترم ابراهیمی صمیمانه تسلیت می‌گوییم و خود را در اندوه ایشان شریک میدانیم.

کمیته مرکزی حزب توده ایران
کمیته مرکزی فرقه دمکرات آذربایجان - سازمان حزب توده ایران در آذربایجان
سازمان جوانان توده ایران
سازمان جوانان توده ایران - سازمان ایالتی آذربایجان

فصل نوینی در روابط جمهوری اسلامی ایران بالیبی

دیدار و گفتگوی حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی ایران، با رهبران لیبی سرآغاز فصل نوینی است در روابط جمهوری اسلامی ایران با لیبی. یکی از ویژگیهای برجسته و بنیادی این مرحله جدید در روابط میان دو کشور آنستکه، این روابط برپایه شناخت واقعیتهای انقلاب دو کشور، مواضع سیاسی آنان نسبت به مسائل مربوط به مبارزه با دشمنان واقعی انقلاب، یعنی امپریالیسم، پس‌گردگی امپریالیسم امریکا و رژیمهای دست‌نشانده و هوادار آن در منطقه و هم‌آهنگ‌ساختن نظریات و برداشتهای طرفین نسبت به تعقیب و پیشرفت آتی روند انقلابی در منطقه استوار است.

حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی ایران در آستانه مسافرت خود به کشورهای الجزایر، لیبی، سوریه و لبنان، طی یک مصاحبه مطبوعاتی اظهار داشت:

«از نظر موقعیت موجود و جنگ جاری فکر میکنم مفید است که ما آنچه پرویم و مواضع سیاسی خودمان را و موضعی را که در جنگ داریم، تشریح کنیم و بخاطر حساسیت موقع، با این برادرانی که دوستی‌شان ثابت شده و میشود روی دوستی‌شان حساب کرد، سیاست هم‌آهنگی در مسائل جاری منطقه و دنیا اتخاذ کنیم».

طی همین مصاحبه حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی افزود:

«ما از اول پیروزی انقلاب این خط را تعقیب میکردیم که نیروهای انقلابی اسلامی در منطقه باید با هم همکاری کنند» (اطلاعات، ۲۹ آبانماه ۵۹)

عبدالسلام جلوه، نخست‌وزیر لیبی، در ملاقات با حجت‌الاسلام

هاشمی رفسنجانی این مطلب را خاطر نشان ساخت که:

«انقلاب لیبی با نام اسلام پیروز شد، چنانکه انقلاب ایران با نام اسلام پیروز گردید. اسلام حقیقی، اسلام کارگر، اسلام یگین و اسلام ریگان نیست، که ما در کشورهای سعودی و مصر و اردن می‌بینیم».

نخست‌وزیر لیبی افزود:

«ما با انقلاب اسلامی ایران وحدت استراتژیکی داریم» (اطلاعات دوم آذرماه ۵۹)

تاکید نخست‌وزیر لیبی بر روی اسلام حقیقی و تفاوت آن با اسلام کارگر و نیز بیان این مطلب که انقلاب لیبی با انقلاب اسلامی ایران وحدت استراتژیکی دارند، نمایانگر واقعیتی است که ما نیز همواره بر روی آن تاکید داشته‌ایم، و آن اینستکه: دوستان و دشمنان واقعی انقلاب ایران و جمهوری اسلامی ایران را طبق معیارها و مواضع انقلابی و شناخت ماهیت ضدامپریالیستی رژیمهای حاکم بر کشورهای منطقه و روابط و وابستگی و یا عدم وابستگی آنها به امپریالیسم جهانی، به‌سرگردگی امپریالیسم امریکا، بایستی تمیز داد و بر اساس چنین معیارهایی باید روابط جمهوری اسلامی ایران را با کشورهای منطقه و کشورهای جهان بطور کلی برقرار ساخت.

مسافرت حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی به کشورهای الجزایر، لیبی و سوریه و ملاقات و گفتگوی ایشان با رهبران این کشورها و تبادل نظر و تشریح مواضع طرفین در مورد جنگ تحمیلی رژیم چاقوکار صدام حسین به جمهوری اسلامی ایران، مسائل منطقه و

در صفحات بعد

پیام به روستا نشینان شمال کشور

کارگران خراسان همگام با سایر زحمتکشان آماده دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایرانند

صفحه ۲

برای مبارزه با امپریالیسم امریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

تلاشهای امریکا...

بقیه از صفحه ۱

میباشد و افزودند که: «بحث خاصی در مورد محاصره اقتصادی نیست. امریکا مسئله را بگونه‌ای طرح میکند که نشاندهنده آنست که متوجه مسئله نشده و ما در صددیم که توضیحات بیشتری در این باره بدهیم.» (جمهوری اسلامی - ۱ آذر ۱۳۵۹).

بطوریکه میدانیم، مجلس شورای اسلامی ایران پس از چند روز مذاکره، پیشنهاد ۴ ماده‌ای صریح و روشن «کمسیون ویژه بررسی مسئله جاسوسان امریکائی» را در ۱۱ آبانماه ۵۹ به تصویب رساند. فردای آنروز، یعنی ۱۲ آبانماه ۵۹ (طبق خبری که خبرگزاری فرانسه روز بعد منتشر کرد) سفارت جمهوری دموکراتیک خلق الجزایر در واشنگتن، که حافظ منافع جمهوری اسلامی ایران در آمریکا است، متن رسمی شرایط ایران را به وزارت امور خارجه امریکائیسلم کرد. آنتون بیش از ۲۰ روز از آن تاریخ میگذرد و دولت امریکا، که سبک جاسوسان خود را در همه مجامع بین‌المللی بسینزده و میزنده نشان میدهد چندان شتابی هم به بازپس گرفتن آنها ندارد! خبرگزاری فرانسه، در همان خبری که تسلیم پیشنهادهای ایران توسط سفیر الجزایر به وزارت خارجه امریکا را اطلاع میداد، ضمن «مصاحبه کوتاه» وزیر خارجه امریکا، «اموند ماسکی» را نیز منتشر ساخت. در آن مصاحبه بویژه دو نکته جلب توجه میکرد: «اموند ماسکی وزیر خارجه امریکا گفت... هنوز بسیاری از مسائل باید روشن شود. ماسکی

اضافه کرد که شرایطی که ایران برای آزاد شدن گروگانها قابل شده، باید با هدفهای اصلی امریکا سازگار باشد.» (اطلاعات، ۱۳ آبان ۱۳۵۹) درباره نکته اول باید گفت که: پیشنهادهای مصوبه مجلس شورای اسلامی ایران، چنانکه رهبران عالی‌رتبه و مسئولان جمهوری اسلامی ایران به کرات توضیح داده‌اند، کاملاً روشن و بسیار گویاست: ۱- عدم دخالت مستقیم و غیر مستقیم سیاسی و نظامی در امور ایران، ۲- آزاد گذاشتن کلیه سرمایه‌ها، اموال و دارائیهای ایران که در امریکا یا موسسات متعلق به دولت یا اتباع امریکا در سایر کشورهاست، ۳- لغو و ابطال همه تصمیمات و اقدامات اقتصادی و مالی علیه ایران و کلیه دعاوی و ادعاهای دولت امریکا و موسسات و شرکتهای امریکائی علیه ایران به‌ر صورت و به هر عنوان، ۴- بازپس دادن اموال شاه معلوم و بستگان نزدیک وی و برسمیت شناختن و نفاذ دانستن اقدام دولت ایران در اعمال حاکمیت خود مبنی بر مصدوره این اموال. بخوبی دیده میشود که این ۴ مسئله نه بسیارند و نه تاریک، تا نیازمند توضیحات طولانی بوده باشند. مضافاً، چنانکه آقای رجائی نخست‌وزیر هم متذکر شده‌اند، میتوان توضیحات بیشتری هم داد. اما بپایان بوند اینگونه اظهارات، از نکته دومی که همانوقت ماسکی بسراحت بیان داشته بود، بخوبی آشکار میشود، یعنی لزوم «سازگاری» شرایط آزادی جاسوسان امریکائی «با هدفهای اصلی امریکا»! برای مردم ایران کوچکترین

شکی وجود ندارد که هدفهای اصلی امریکا «عبارت از براندازی جمهوری اسلامی ایران، محور همه دستاوردهای انقلاب بشکوهند ایران و احیای سلطه خانمان- برانداز امریالیسم، بسرگردگی امریکا، بر ایران است. مردم ایران خوب میدانند که امریکا دشمن اصلی ایران است. رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، امام خمینی، به کرات متذکر شده‌اند که امریکا اگر امروز یا فردا به این «هدف اصلی» خود نرسد، باز هم ازبای نخواهد تستست، پنجاه سال دیگر هم باشد به توطئه و تخریک و خرابکاری برای رسیدن به این مقصود پلید و شیطانی خود تلاش خواهد کرد. روشن است که مردم ایران و مقامات مسئول جمهوری اسلامی نمیتوانند با شرایطی موافقت کنند که راه احیای مجدد سلطه امریالیسم امریکا بر ایران را هموار سازد. بهمین دلیل نیز آنها اولین شرایط آزادی این جاسوسان گروگان را عدم مداخله مستقیم و غیرمستقیم سیاسی و نظامی و غیره در امور جمهوری اسلامی ایران قرار داده‌اند. و اجرای همه شروط دیگر هم باید بگونه‌ای باشد که، این عدم مداخله و بالتیجه استقلال واقعی ایران را تأمین و تضمین کند. مردم ایران در تظاهرات و راهپیمائیهای میلیونی خود متذکر شده‌اند که امریکا «گروگانها» را نه، بلکه ایران را میخواهد. دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران، رفیق گیاتوری، در جلسه نوبتی «پرستی و پاسخی» (۸ آبانماه ۵۹) این نکته را به تفصیل روشن کرد و گفت: «به نظر ما مسئله «گروگانها» اصلاً نه مسئله عمده انقلاب ایران

فصل نوینی در روابط...

بقیه از صفحه ۱

نقش تخریبی و توطئه‌گرانه امریالیسم امریکا در منطقه، بدون تردید به نزدیکی و انطباق هرچه بیشتر مواضع جمهوری اسلامی ایران با کشورهای یادشده و تدوین یک سیاست هماهنگ در جبهه متحد رژیمهای مستقل ملی و ضد امریالیستی منطقه در برابر نقشه‌های تجاوزگرانه امریالیسم و سیمونیس و رژیمهای ضد خلقی و وابسته به امریالیسم مساعدت خواهد کرد. توافق درباره ارتقاء نمایندگی دیپلماتیک دو کشور جمهوری اسلامی ایران و لیبی به سطح سفیر را، که یکی از نتایج دیدار حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی با رهبران لیبی است، میتوان نشانه‌ای از موفقیت‌آمیز بودن این دیدار ارزیابی کرد. مسافرت هیئت نمایندگی ایران بریاست حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی ایران به لیبی و دیگر کشورهای عضو جبهه پایداری، در عین حال نوید آنگه گرایشهای سالم و انقلابی در تدوین خط‌مشی سیاسی واقع‌بینانه در روابط ایران با کشورهای منطقه در زمینه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تقویت می‌یابند و راه را برای گسترش و استحکام مواضع بین‌المللی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و جلب هرچه بیشتر پشتیبانی نیرو- های امیل انقلابی و ضد امریالیستی از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در سطح منطقه و بمقیاس جهانی میکشایند.

است و نه مسئله عمده مناسبات ایران با دنیای امریالیستی. مسئله عمده امریالیسم دومرد انقلاب ایران این است که میخواهد انقلاب ایران را ازین پرده‌حالا اگر در این راه، نه فقط «گروگانها» بلکه صد هزار امریکائی هم کشته شوند، باز از این سمت‌گیری و هدف‌گیری دست بردار نخواهد بود» (نامه مردم - ۲ آذر ۱۳۵۹). اکنون که بیش از ۲۰ روز از تسلیم پیشنهادهای ایران به دولت امریکا میگذرد، همه تلاشها و اظهارات نمایندگان دولت امریکا، نظیر کس‌دادن مسئله، چند مسئله مشخص و روشن را «بسیاری مسائل نیازمند توضیحات» قلمداد کردن، بدنبال یکتوع مذاکرات طولانی رفتن، همه و همه بار دیگر صحت ارزیابی فوق،

این هفته در نامه مردم، بزبان کردی می‌خوانید:

- تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری در عراق،
- شمار راهپیمایی میلیونی مردم در روزهای تاسوعا و عاشورا،
- محرم، ماه خون، ماه شهادت امریکا، منظر ظلم و جحایت
- زیگان هم مانند کارتر هیچ غمگینی نمی‌تواند بکند،
- بناسبت سالگرد تاریخی پیام امام خمینی درباره کردستان: حل مسالمت‌آمیز و عادلانه مسئله کردستان همچنان در دستور روز کار دولت است،
- کارگران کردستان میتوانند توطئه‌های ضدانقلاب را خنثی کنند،

نامه مردم، بزبان کردی هر هفته سه شنبه‌ها منتشر می‌شود

را نمرده، گروگانهای جاسوس باید محاکمه شوند» مسئله روشن است: برای امریکا راهی وجود ندارد جز اینکه شرایط ایران را بپذیرد و مردم ایران و دولت جمهوری اسلامی ایران هدفی جز این ندارند که این شرایط را به امریکا بقبولانند. لذا تلاشهای امریکا برای فرار از قبول اجرای شرایط معقول و منطقی و لیحن ایران در مورد «گروگانها» بیپوده است.

منفی اجتماعی جز افتخاری چیز دیگری نمیتواند باشد. باید به جوانان فهماند که تهاجم بر مواضع دیگران در زمانی که حاکمیت در دست اسلام است، باید تهاجم ایدئولوژیک باشد. چنانگونه شیوه‌های نادرست در چهارچوب جمهوری اسلامی شیوه حکومتی ما نیست. این شیوه‌های فاشیستی و پانسیست‌هاست که حالا خودشان را آتی‌چاق معرفی میکنند، نه شیوه یک مسلمان معتقد که نیرویش بر ایمانش و اندوخته فکری و دانش او استوار است. قلم‌های ما برای تخریب ایدئولوژیکی مواضع انحرافی و ارتجاعی است و تازوی که نویسندگان متعهد اسلامی قلم بر زمین نگذاشته‌اند، نیازی به طعنه‌های ناخودآگاه نیست. «لیبرالیسم پدیدهای است سرمایه‌داری که هر وقت به مصلحت او باشد، زور میگوید و هر وقت به مصلحت نباشد، دم از آزادی میزند. لیبرالیسم افسی دوسری است که از یک‌سور زبان نرم بیرون می‌آورد و از سردیگر نیش‌های زهر آلود، هر زمان شاه حکومت کند دم از سلطنت میزند و هر زمان که واژگون شود، خود را عامل واژگونی آن می‌نمایاند. هر روز تجربه‌ای است تازه. ما لیبرالیسم را از دیدگاه لنین بزبان نمی‌آوریم. لیبرالیسم را ما با تجربه خود تعریف می‌کنیم. آنقدر تجربه خواهیم کرد تا لیبرالیسم را به مفهوم کامل آن تعریف کنیم. معلم ما کتابهای دست‌نویس غرب نیست. معلم ما قرآن است و افکار ما با الهام از آن و تجارب تاریخ و درسی که مستضعفین بما میدهند رشد می‌یابد. ما بخوبی آگاهیم که اگر دل به زبان نرم این افسی دوسر بندیم و گوش به لالائی او فرا دهیم آنگاه در خوابان خواهد کرد، نیشمان خواهد زد... ما بخوبی آگاهیم که سازش و مماشات با پایگاه‌های امیرالیسم نه خواست امام است و نه خواست امت. ما بخوبی آگاهیم که تکنولوژی و صنعت و کشاورزی مدرن و بریاتی دانشگاهها و مراکز آموزشی انقلابی برای پشت سر گذاشتن دوران ذلت‌بار وابستگی بموازات سرنگون‌ساختن عمال فاسد طاغوت اموری هستند حیاتی، که ازما و آگاهانه باید بوسیله متخصصان متعهد این سرزمین، در کنار توده‌های میلیونی مردم حیاتی بخش آینده‌های روشن تسلیم‌دهنده باشند. ما مشت امل فانیست نیستیم که معنا و مفهوم علم را ندانیم از فیزیک اتمی گرفته تا بیولوژی و پزشکی و حقوق قضائی و سیاسی همه و همه را برای پیشبرد اهداف انقلاب یکبار خواهیم گرفت. ما دست در دست با الهام از قرآن و با پاسداری از اصل استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی بنای یک اجتماع توحیدی را خواهیم گذاشت که نه کسی به دیگری زور گوئی و اجبات کند و نه چوب و چماق بالای سر کسی باشد و نه زندانی داشته باشیم. چون ما مسلمانیم، چون ما مار دوسر لیبرالیسم نیستیم»

در مطبوعات کشور سازش و مماشات با پایگاههای امپریالیسم نه خواست امام است نه خواست امت

عمر این جامعه کوتاه‌تر است. ما از جهان دیده می‌بینیم و امام مستضعفین همچنان هستند و ناظر خواهند بود که چه کسی راه حق رفت و چه کسی راه ناحق پیموده و این سیر تاقیامت ادامه دارد و نه تا پایان زندگی کوتاه ما. در اینکه چماق کسی کار صالحان نیست، شکی نداریم. اما می‌خواهیم باین آقایان یکبار دیگر گوشزد کنیم که چوب و چماق را اولین بار چهره‌های مظلوم!! طرفدار خودتان نظیر تیمسار مدنی مد کردند. و از کجا که همین حالا هم این جریانات را همان سیستم رو به زوال که می‌خواهد خودش را مظلوم وانمود کند، برآه نمی‌اندازد؟ چوب و چماق را در تاریخ پنجاه ساله اخیر ابتدا رضاخان قلدر و بعد پسرش با بهره‌گیری از وجود شعبان بی‌مخا وسیله قراردادند. اما گذشتن این حرکت غیر اسلامی و غیر انسانی از مرز انقلاب ما بوسیله همین آقایان پانسیست صورت گرفت. اینرا همه میدانند که ناسیونالیسم گرانی اراطی این تحفه رضاخان را بایشوس مرزهای انقلاب یدک کشیده، همانهایی که موقع فرار از ایران دل آقایان لیبرال برایشان می‌طیبد. حالا خود ایشان آتی‌چماق شده‌اند؟ چنین حرکتی را در هر دو شکل تقبیح می‌کنیم: شکل اول این است که عده‌ای بخواهند با این کار نست فاشیسم بر انقلاب اسلامی بدهند، که این عمل جز خوار کردن انقلاب در انظار جهانیان هدف دیگری را دنبال نمی‌کند و کسانی که اینگونه حرکت را رهبری می‌کنند، در خدمت ضدانقلاب هستند. و شکل دوم موضوع این است که گروهی برای حمایت از اسلام و بصورت یک عمل خودبختی‌دهی اینگونه روشها متوسل شوند، که باید به این گونه افراد هشدار داد که عمل آنها ناآگاهانه در جهت تقبیح مواضع ترقی اسلام است و موجب می‌گردد تا نیروهای مخالف مسئله را بزرگ کنند و ما را فاشیست و طرفدار اختناق جلوه دهند پس لازم است که به خصوص جوانان را ارشاد و راهنمایی کرد و برایشان روشن نمود که راه مبارزه با جریانات

... دوستان ما میگویند نگویید لیبرال- لیبرال را لنین تشریح کرده. شما خودتان هم کلمه امپریالیسم را بارها به زبان آورده‌اید. در حالیکه همین کلام را لنین در چهار نکته تشریح کرده است. بعد هم می‌گویند تحلیل ما از امپریالیسم با تحلیل لینی متفاوت است ما هم میگوئیم تحلیل ما هم از لیبرالیسم با تحلیل لنین فرق دارد. و تازه اگر کسی کمونیست باشد، ما بگوئیم او کمونیست است، چون کمونیسم از مارکسیسم لنینیسم ناشی می‌شود پس لابد باید یک کلمه جدید اختراع کنیم... دعوا بر سر کلمات و اصطلاحات نیست. بحث بر سر مسائلی است که انقلاب ما را دچار گرفتاریهای ناخواسته کرده است. در مورد مسئله استقلال کفایت به این اصل که استقلال و آزادی قابل تفکیک نیستند، برای نیل به آن کافی بنظر نمی‌رسد. استقلال و آزادی تنها در شرایطی می‌توانند عملی شوند که حاکمیت در دست مستضعفین باشد. چه نیروهایی که در جهت احیای روابط طاغوتی حرکت می‌کنند، طبعاً مانع از اجرای هر دو اصل می‌گردند... جناحهای واسطه‌گر و رده‌های طاغوتی در ایران که مناقشان به منافع سرمایه‌داری کپرداور وابستگی شدید دارد، خواه و ناخواه سد‌هایی در برابر پیروزی انقلاب اسلامی و نیل به این دو اصل مهم و حیاتی محسوب می‌شوند. ما ناپسایمانی‌های انقلاب را نه از دید این جناحها می‌بینیم، بلکه آنچه را که ناپسایمانی اقتصادی و سیاسی می‌نماید، مستقیماً در رابطه با خواسته‌های به حق نیروهای از خود گذشته‌ای است که انقلاب را به بهای خون خود به پیروزی رسانده‌اند. در اینکه استقلال و آزادی دو اصل تفکیک‌ناپذیر هستند جای هیچ شکی نیست. ما نه قصد داریم زیر نام الله و اسلام فاشیسم را حاکمیت بخشیم و نه در این خیالیم که فاشیسم و شکنجه و اختناق را به جامعه بازگردانیم. فاشیسم و سرکوب نه در شیوه اسلام است و نه خواست امام. اینکه استقلال و آزادی تفکیک‌ناپذیر هستند، کشف تازه‌ای نیست. ما موافق تهاجم و مقابله با چوب و چماق نیستیم. درست برعکس، هرچه آزادی بیان و عقیده بیشتر باشد، بهتر می‌توان گروهها را شناخت و مفسدين را افشاء کرد. آن روزنامه یا ارگانی که مخالف حقیقت قلم‌فرسایی می‌کنند، در وهله اول گور خودش و خط سیاسی‌اش را بدمت خودش می‌کنند. چه لزومی است بر اینکه چوب و چماق سر کسی بشکنیم. نه ایمانان به راهمان ضعیف‌است و نه قلم‌هایمان جوهر اندیشه ندارند. هر کس هر چه می‌خواهد بنویسد. ما هم افتخاری را عکس‌العمل خود قرار میدهم و این مستضعفین هستند که باید بر حرف حق صحنه بگذارند. این را که چه کسی حق می‌گوید و چه کسی قلم بر بطالت میراند، در راه و تصمیم‌گیری‌های مستضعفین باید یافت. آنها عاملان اجرای این انقلاب هستند. آنها هستند که باین انقلاب جهت نهایی را خواهند داد. عمر ما و شما از

پیام به روستائیان شمال کشور

پاسخ مسئولان
به خواستهای
دهقانان

از جانب فرماندار سپیدان - استان آذربایجان شرقی - فارس - نامهای به شماره ۱۸۵۵، مورخ ۵۹/۷/۷، در باره مسائل مربوطه در نامه "مردم" رسیده است، که در آن چنین میخوانیم: ... روستای تنگ خیاره بیضا، مانند تمام روستاهای ایران در زمان سابق، بواسطه عدم تسهیلات زندگی از قبیل آب و برق و راه و بهداشت و غیره، عدهای به شهرها مهاجرت نموده اند و در مورد مالکین، گروه تحقیق هیات هفت نفری واگذاری زمین مشغول به کار تحقیق و واگذاری زمین در تمام دهستان بیضا می باشد و امکان این که عشایر در موقع عبور به زراعت روستائیان خسارت برسانند وجود داشته که به موقع توسط پاسگاههای زاندا رومری اقدام لازم بعمل آید. فرماندار سپیدان - اردلان - از توجه مسئولان امر به انعکاس خواستهای دهقانان در صفحات روزنامه سپیدان و امیدواریم همیشه ۷ نفری، با احساس مسئولیت عظیم و تاریخی خویش به مسائل مربوطه حداکثر توجه را مبذول دارند. نامه "مردم" همچنان آماده است که نظریات دهقانان تنگ خیاره بیضا را به اطلاع مسئولان امر برساند.

وامهای کشاورزی را بصورت جمعی و خدماتی بموقع و بطور جمعی بخواهید که در تولید مؤثر باشد به شورای ده و به تعاونیها برسانید

روستائیان شمال کشور، خراسانیها، ترکمنها، مازندرانیها، گیلانیها، طالشها، آذربایجانیها، کردها!

میمن انقلابی ما مورد تجاوز قرار گرفته است. صدام حسین برای ضربه زدن به انقلاب ایران، با صلاحدید امریکا، به ایران یورش آورده است. مرزهای ایران با خون جوانان انقلابی ایران آبیاری می شود. روستاها بمباران می گردد. در شهرها مردم به جنگ تن به تن پرداخته اند. در جنوب و غرب کشور، مردم برای دفاع از وطن انقلابی مسلح شده اند. زنان و دختران دوشادوش مردان اسلحه برداشته اند. در مدارس، کودکان و نوجوانان زیر بمبهای هواپیماهای دشمن کشته می شوند. امپریالیسم امریکا نقشه جهانی نابودی انقلاب ایران را در سر شیطانی خود می پروراند.

در چنین شرایطی یک وظیفه اساسی متوجه همه روستائیان ایران، بخصوص روستائیان شمال کشور ما است:

همه چیز برای جبهه! همه کس در راه دفاع از میمن انقلابی! تا بیرون راندن دشمن از سرزمین ایران و تا درهم شکستن توطئه شیطان بزرگ امریکا!

شرکت در جبهه جنگ و شرکت در جهاد احیای کشاورزی و تولید هر چه بیشتر محصولات زراعی و دامی وظیفه مبرم انقلابی و میمنی همه ماست.

روستائیان آذربایجان! کوهپایه نشینان سیلان و سپند! دهقانان مناطق اردبیل، مراغه و ارومیه و تبریز مقاوم! مبارزان سلحشوری که اجدادتان با ستارخان، انقلابی بزرگ، مشروطیت را بایران زمین، به ارمغان آوردند. ای عشایر آذربایجان، بپاخیزید!

ای مردان و زنان روستاها! برای نبرد در سنگرهای جنگ و برای پیکار بزرگ در کشتزارها و مزارع، صفوف خود را مستحکم کنید. شیطان بزرگ امریکای جهانخواه، با دست صدام حسین، آشکارا به ایران انقلابی تجاوز کرده است. جنگ سختی در پیش است. باید در این جنگ، هم در صحنه نظامی هم در عرصه اقتصادی، پیروز شد و به همه مشکلات فائق آمد. محصولات زراعی، گندم و جو را انبار کنید، همه زمینهای قابل کشت را بکارید، همه مهارت و تجربه خود را برای بدست آوردن محصول بیشتر بکار بندید. از محصول و دامها نگهداری نمائید، تپالهها و پتهها را برای سوخت زمستانی جمع آوری کنید.

ما در مقابل دشمن تسلیم نخواهیم شد. زمستان سختی در پیش است، ولی بهار سرانجام فرا خواهد رسید و کشتزارها و پستانهای روستا سرسبزتر از پیش خواهد شد. صدامها شکست خواهند خورد و امریکا از خلیج فارس و خاورمیانه خواهد رفت. در بسیج نام نویسی کنید و به پاسداران در جبهه و پشت جبهه کمک کنید. به تبلیغات و شایعات دشمن میدان ندهید. به نهادهای انقلابی و مقامات مسئول مراجعه کنید. به آنها کمک کنید و از آنها کمک بخواهید.

دهقانان گیلان! ای کسانیکه اجدادتان به همراه میرزا کوچک خان جنگلی و حیدر عمواوغلی، جنگلها و بیسههای گیلان را با خون خود آبیاری کردند؛ کوهپایه نشینان دیلمان! به دهقانان خوزستان و عشایر زاگرس یاری برسانید. شما نخواهید گذاشت که امروز صدامها در خوزستان پیروز شوند، تا خود بتوانید از دهات و مزارع، خانه و وطن و ناموس خود در برابر امریکائیان خونخوار دفاع کنید.

روستائیان، جنگل نشینان طالش! هیزمها را خورد کرده، ذخیره کنید. مواظب جنگلها باشید. اجازه قطع بی رویه درخت را ندهید. از گاو میشها نگهداری کنید. آنسوی میمن انقلابی شما مورد تاخت و تاز قرار گرفته است. دشمن غدار باز به ایران زمین تجاوز کرده و خیال خام بازگرداندن رژیمی نظیر رژیم شاه ملعون را دارد. هم اکنون اهالی غیور و از جان گذشته، سربازان دلیر و پاسداران دلاور مشغول دفاع از میمن انقلابی هستند. با هر وسیله ای که در دست دارید، به آنان یاری برسانید.

زنان روستائی گیلان و مازندران! در بیجارها، و شالیزارها، بر تپج بکارید و در دهکدهها مرغ و خروس نگهدارید؛ از زندگی فردای کودکان خود در جبهه و پشت جبهه دفاع کنید. برادران و فرزندان و شوهران شما در جنگ یا دشمن به تلاش پرتوان شما احتیاج دارند. موفقیت شما در مزارع، پیروزی آنان در جبهه است.

دهقانان مازندران! ای جنگل نشینان طبرستان، ای دلاوران، ای زنان و مردان کوهپایه نشین البرز! با حمله به خوزستان قهرمان، دشمن غدار سراسر میمن انقلابی ما را مورد تهدید قرار داده است.

سرزمین نفت خیز جنوب یا خون پاسداران قهرمان و سربازان دلیر و روستائیان دلاور ایران آبیاری می شود. بپاخیزید! خوزستان و لرستان از شما یاری می خواهند!

به جبهه جنگ کمک برسانید، به سپاه پاسداران مراجعه کنید و به ستاد بسیج بروید. در پشت جبهه از محصولات غذایی، از دامها و کشتزارهای خود حراست کنید. جنگلها را نگهداری کنید. اتحادیه های دهقانی و کمیته های دفاع را تشکیل دهید، پیروزی از آن شماست.

ترکمنهای چابک سوار روستائین! دهقانان پنبه کار ترکمن صحرا! شما مزه بیدادگری امپریالیسم را چشیده اید و زجر غمناک داخلی آنان را بیش از همه دیده اید. انقلاب ایران، که شما نیز در مبارزات طولانی خود سهمی در آن داشته اید، با یک توطئه خطرناک روبرو شده است. بپاخیزید تا از انقلاب ایران دفاع کنید! روستائیان ایران در این پیکار نه تسلیم خواهند شد و نه سازش خواهند کرد. پس باید هرکسی که میتواند، شجاع و دلاور، اسلحه بگیرد و به یاری اهالی جنوب و غرب، پاسداران قهرمان و سربازان دلاور به جبهه برود و به نبرد با امپریالیسم امریکا بپردازد.

دهقانان ایران نخواهند گذاشت که ایران ویران شود. هرکسی که میتواند باید با تمام نیرو و فداکاری، بیشتر کشت کند و تولید بیشتر بدست آورد. خرد کردن محاصره اقتصادی امریکا و تامین آذوقه برای کشور، نبرد و جهاد بزرگی است علیه شیطان بزرگ. جنگ با دشمن هم در جبهه و هم پشت جبهه!

روستائیان شمال ایران - همچنانکه امام خمینی گفتند - تا ۵۰ سال هم شده با امریکا خواهند جنگید و مایحتاج مردم کشور و مدافعان مرزهای ایران را با کار مداوم و حیاتی خود در پشت جبهه، در مزارع، تامین خواهند کرد و تسلیم نخواهند شد.

دهقانان و آفتاب نشینان و عشایر خراسان! ای روستائیانسی که سرزمین شما زادگاه ابومسلم و مدفن امام هشتم شیعیان امام رضا است. ای سرزمین حماسه های بزرگ، ای فرزندان فردوسی! یکبار دیگر ایران از جنوب و جنوب غربی کشور مورد تجاوز قرار گرفته است. بپاخیزید!

سرودهای دلاوران و شهیدان وطن را بسراغید. اینبار بجای افراسیاب تورانی، غارتگر امریکائی، و بجای خلفای بنی امیه و بنی عباس، دارودسته صدام بایران تجاوز کرده اند. هم اکنون قهرمانان وطن از دیبها، روستاها و شهرهای خونین ایران دفاع می کنند و جلو تاخت و تاز دشمنان را گرفته اند.

شما نیز در پشت جبهه، در خراسان، در گاهواره استقلال ایران، به برادران خود کمک و یاری رسانید و از میمن انقلابی خود دفاع کنید. هم در سنگر، هم در مزرعه، از دامها و محصولات خود حراست کنید. در فکر سوخت زمستانی خود باشید. یک پر کاه و یک مشت چوب خشک را هدر ندهید. در مواقع ضروری به یاری سربازان وطن دوست و پاسداران انقلابی بشتابید! فرمانهای بسیج و سپاه را اجرا کنید و در رابطه دائمی با نهادهای انقلابی باشید.

گردهای قوچان! دهقانان، زنان و مردان روستاها، بپاخیزید! لباسهای کردی را به تن کنید، قطارهای قشنگ را ببندید و سلاحها را بدست بگیرید، زیرا دشمن به روستاها و شهرهای ایران هجوم کرده است. آستینها را بالا بزنید، وسایل کار را بدست بگیرید، دامها را بپرورانید و مزارع را بارور سازید.

همگی دست بدست هم دهیم، تا بر امریکای جهانخواه و عمال ضدانقلابی آن در توطئه های مداومش پیروز شویم.

**مرگ بر امریکای جهانخواه!
نابودی دارودسته متجاوز صدام حسین!
پیروزی انقلاب ایران!**



پس هر سکه سرکوی و کمر مشورت است
میراثیم وطن را، که وطن مادر ماست

نورالدین کیانوری

میهن انقلاب در لحظه ک...

توطئه امریکائی تجاوزدار

چگونه طرح ریزی

این مقاله برای طرح در شماره ۸ مجله تپه انتشار آن در حیطه علمی به طول خواهد اند...

نمی شدت و از این جا نتیجه می گیرند که باید هر چه رود تر تا تمام مشکلات پایان پذیرد. این برخورد سازشکارانه و رنگارنگ و درموردی سباز زیرکانه مودبانه به بازار است...

سوم در زمینه تشدید بوق و کرنای "خطر کمونیسم"، "خطر حزب توده"، "خطر شوروی" منظور منحرف ساختن افکار عمومی مردم و حتی مسئولان کشور از خطر عمده و خطرواقعی یعنی توطئه در حال تکوین امپریالیسم و ضدانقلاب که به صورت تجاوز عراق آخرین مراحل عملی تدارک خود را طی می کند.

ولی زندگی نشان داد که امپریالیسم و ارتجاع، به حکم قوانین تاریخی، به حکم ماهیت ارتجاعی و کوریبیتی طبقاتشان نمی توانند همه عوامل را به درستی تشخیص دهند و در رویارویی با خلق های رزمنده، نیروی عظیم مقاومت این خلق ها را همیشه کم تر و بیمراتب تر از آنچه هست ارزیابی می کنند.

اشتباه در ارزیابی نیروی عظیم مقاومت انقلاب ایران در رویارویی با دشمن و توطئه های امپریالیسم و ضدانقلاب همه حساب های "دقیق" امپریالیسم و مزدورانش مانند دارودسته صدام ترکیبی، سادات و قابوس و ضیاالحق را بهم ریخت و معلوم شد که برخلاف تصورات و انتظارات و آرزوهای خام این جنایتکاران، همان عاملی که آنان کم تر از همه در این ماجرا به حساب آورده بودند، به صورت یک عامل تعیین کننده درآمد.

پیامدهای توطئه امریکائی تجاوز عراق به ایران

بدون تردید این توطئه شیطانی شیطان بزرگ آمریکا که بدست قدرت طلبان خونخوار و شریزی مانند صدام و دارودسته های پیاده گردید، در کنار یک رشته پیامدهای دردناک و تاسف آآور برای خلق های ایران و عراق، یک سلسله پیامدهای بسیار مثبت هم به همراه داشته است.

۱- امپریالیسم جهانی به عنوان حداقل برد از این توطئه به خود وعده می دهد که در نتیجه نصف ناشی از خسارات سنگین جنگ، مقاومت مردم و دولت جمهوری اسلامی ایران در مقابل فشارهای امپریالیسم بویژه فشارهای اقتصادی و سیاسی کاهش خواهد یافت و دولت ایران، حتی در صورت شکست تجاوز عراق و بازگشت آن به سرحدات قانونی مجبور خواهد شد برای رفع مشکلات حاکمه دست به دامان کشورهای امپریالیستی شود و بدین وسیله راه برای تجدید گام به گام لطمه های امپریالیستی هموار گردد.

۲- علاوه بر این در پیشتر دیده دود حاصله از تجاوز عراق به ایران امپریالیسم موفق گردیده است خود رنظامی سابقه خود را در منطقه خلیج فارس به میزان بازم وسیع تری گسترش دهد و خود را برای تجاوز مستقیم نظامی به ایران، در صورتی که همه نقشه های دگرش با ناکامی روبرو گردد، آماده سازد.

درست به همین جهت باید هر چه زودتر با بهره گیری از همه امکانات، متجاوزین عراقی را از ایران بیرون انداخت و به آدم کشان صدامی لجام زد.

۳- طیفه مسلم و مرم مبارزان انقلابی ایران و همه کسانی که از استقلال، تمامیت ارضی و آزادی میهن دفاع می کنند، اینست که بدون درنگ برای درهم شکستن این توطئه و بیرون انداختن متجاوزین به میدان آیند، تمام پیامدهای ناگوار و دردناک این نبرد را، هر اندازه هم که سنگین باشد، تحمل کنند و کوشش نمایند از این نبرد به بهترین صورت برای شناختن و از بین بردن همه کمبودها و نارسائی ها در همه زمینه های زندگی اجتماعی بهره گیری نمایند. این یک قانونمندی اجتماعی است که در دوران های بحرانی تحولات انقلابی و در شرایط رشد و تشدید دشواری های فراگیر، کمبودها و نارسائی ها از زیر پوشش های موعوبی سر برمی آورند، گروه ها و شخصیت های سیاسی قیافه واقعی و درونی خود را واضح تر و عیان تر نشان می دهند، دوستان و دشمنان انقلاب با وضوح و دقتی بیش از پیش شناخته می شوند.

در مورد شناخت کمبودها و نارسائی ها، این تجاوز درس بزرگی به مقامات حاکمه کشور ما داد، درسی که بدون تردید برای تدارک مقاومت جمهوری اسلامی ایران در برابر توطئه های بازم وسیع تر و دامنه دارتر آینده امپریالیسم آمریکا و دستارانش بسیار گرانبها خواهد بود. این تجربه دردناک نقاط ضعف را بیرون کشید و برملا ساخت، به برخی آسوده دلی ها، و خوشبوی ها پایان بخشید و نشان داد که انقلاب واقعا می تواند در معرض خطر جدی قرار گیرد و راه تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب، اگر بخواهد سمت گیری های اصیل ضد امپریالیستی و خلقی اش را نگاهدارد، جاده صاف اسفالتی نیست، بلکه راهی است ناهموار با فراز و نشیب های دشوار و ارزش این تجربه بزرگ از دردهای حاصله از خرابی ها و کشتارها و خسارات و تلفات نا محدود زیادی می کاهد.

مبارزان راه انقلاب شکوهمند ایران از پیامدهای دردناک این جنگ با تمام وجود خود رنج می برند و تاسف می خورند. از دست دادن هزاران تن از بهترین برادران دلیر انقلابی، تحمل میلیاردها خسارت که محصول دسترنج میلیون ها نفر از مردم کشور است، آسان نیست. کدام انسان شریف و مهربان دوست واقعی است که از این همه محرومیت های عمومی و دردهائی که خشی سنگینی از هم میهنان ما در مناطق جنگ زده دچارش هستند، رنج نکشد؟ ولی مبارزان واقعی، این رنج و درد را به تحکیم عزم و همت خویش برای مقابله با دشمن برای تشدید کوشش به منظور کاهداری دستاوردهای انقلاب شکوهمندمان و پیش از همه نگاهداری و تحکیم استقلال ملی مبدل می سازند.

نتیجه منطقی و روشنی که مبارزان واقعی راه انقلاب از این نبرد تحمیلی می گیرند، این است که باید تمام نیروهای خلق های ایران را تجهیز کرد، کمبودها و نارسائی ها را برطرف ساخت، محرومیت ها را تحمل نمود، توطئه امریکائی صدام را درهم شکست، صفوف خود را بپیراست، نیروهای خود را آرایش بهتری داد و خود را برای درهم کوفتن هجوم و تجاوز و توطئه آینده امپریالیسم و ضدانقلاب آماده کرد.

ولای در برابر این برخورد انقلابی با واقعیتی که به ما تحمیل شده در جامعه ایران شاهد برخورد دیگری نیز هستیم. این برخورد دوم، یعنی برخورد سازشکارانه و تسلیم طلبانه، از طرف آن افتار و گروه های انجام می گیرد که انقلاب ایران با امتیازات و بهره گیری هایشان را محدود ساخت و یاد رخصت محدود شدن قرارداده است. ارزیابی این گروه ها و قشرها و نتیجه گیری شان بسیار روشن است، اینان برای پیامدهای دردناک این جنگ تحمیلی اکثرا اشک تمساح می ریزند و آن را بهانه قرار می دهند تا در میان دعوا کالای دلخواه خود را جایزیند. انسان می گویند اگر "پا روی دم پلنگ بر زور آمریکا گذاشته بودیم" این بلیات بر ما روی آور

اکنون دیگر کم تر کسی که از حداقل حسن نیت و درک سیاسی برخوردار باشد و تردید داشته باشد که تجاوز عراق به ایران یک توطئه ریشه دار و دامنه دار امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا است.

الته ستون پنجم مستقیم امپریالیسم جهانی و همه کسانی که دلشان برای سازش و تسلیم در برابر امپریالیسم آمریکا و سازش و تسلیم در برابر امپریالیست های اروپای غربی و ژاپن لکیده است، با تمام نیرو می کوشند این واقعیت عیان را چنان در پرده های از ابهامات بپوشانند که نتوان آمریکا و امپریالیست های اروپا و ژاپن را از زیر پوشش مستقیم بیرون آورد. ولی زندگی نشان داد که این تلاش سپیده های بیخ نیست. هر روز که از این تجاوز جنایتبار می گذرد، سبتر روشن می شود که توطئه تجاوز عراق از مدت ها پیش در ستادهای امپریالیستی و پیش از همه در ستاد امپریالیسم آمریکا طرح ریزی شده و لحظه مناسب هم با صلاح حدی و مشورت همه دست اندرکاران تعیین گردیده است. اطلاعات دقیقی که در این زمینه در دست است نشان می دهد که از پیش از یکسال پیش و بدون تردید از همان فردای پیروزی انقلاب ایران، دارودسته خان صدام ترکیبی در عراق در ارتباط مستقیم با امپریالیسم آمریکا، ارتجاع منطقه و ضدانقلاب ایران در صدد تدارک مقدمات و زمینه این تجاوز برآمدند. اجراء این تدارک عبارت بودند از:

۱- دام زدن به تشنجات درخوزستان و کردستان و فارس و بلوچستان ایران از راه رساندن اسلحه و مهمات و پول و سایر تدارکات به دسته ها و گروه های خرابکار.

۲- تلاش در بهره گیری از مسئله محرومیت های ملی خلق کرد و خلق عرب و کوشش همه جانبه در راه جلوگیری از هرگونه تفاهم میان دولت جمهوری اسلامی ایران و ریختن هر چه بیشتر تنگت بر روی آتش اختلافات به وسیله عناصر سرسپرده ای مانند قاسم و شیخ عزالدین و شیخ جلال حسینی و گرداندگان گروه های ارتجاعی رزگاری و نقشبندی... و هم چنین گروه های آتاریستی مائوئیستی و نوماوئیستی و تروتسکیستی و بیکاری و انواع و اقسام ترسیمی های بیوک دیگر در این مناطق.

۳- دادن امکانات وسیع و همه جانبه به ضدانقلاب ایران برای ایجاد پایگاه های تدارک و آماده کردن فراریان ضدانقلابی و ساواکی در داخل خاک عراق، دادن امکانات برای پخش رادیویی، تاسن ارتباط مستقیم ضدانقلاب سازمان یافته درون ایران با مراکز ضدانقلاب در خارج کشور از راه کردستان و آذربایجان غربی.

۴- آماده کردن نیروهای هوایی، زمینی و دریایی برای وارد آوردن "ضربه نهائی قطعی" در لحظه مناسب، یعنی وقتی که بر اثر توطئه های رنگارنگ امپریالیستی، محاصره اقتصادی، تحرکات داخلی و فعالیت ضدانقلاب، وضع بحرانی در جمهوری اسلامی پیدا شده باشد.

تا آنجا که امروز می توان بر مبنای خبرهای رسیده درباره گذشته قضاوت کرد، عراق قیلا نزرود در مرحله آماده تجاوز به ایران بوده است. یک بار در ارتباط با تجاوز نظامی آمریکا در طس و کودتائی که در پیوند با این تجاوز، بموسیه نیروهای ضدانقلاب تدارک شده بود و دیگری در ارتباط مستقیم با کودتای آخرتیرماه، در هر دو مورد، هم گردانندگان ضدانقلاب ایران در عراق آماده بودند که در صورت موفقیت توطئه فوراً وارد میدان شوند و هم نیروهای عراق آماده بوده اند که در صورت درگیری دامنه دار نیروهای ضدانقلاب با نیروهای مقاومت اسلامی بی درنگ وارد عمل شوند و با وارد آوردن ضرباتی نظیر آنچه که در تجاوز کونی انجام گرفته به باری ضدانقلاب داخلی ایران بشتانند.

کلیه خبرهایی که از درون گروه های سرسپرده به ضدانقلاب می رسد حاکی از این بود که پس از شکست توطئه کودتای تیرماه، امپریالیسم و ضدانقلاب مصمم گشته اند که ضربه اصلی را از خارج از سرحدات ایران وارد سازند.

هشدار حزب توده، ایران در تاریخ ۲۵ تیرماه ۱۳۵۹ موعید این بود که امپریالیسم و ضد انقلاب کار تدارک یک حمله نزدیک همه جانبه از دریا و هوا و زمین را علیه جمهوری اسلامی ایران پایان داده و باید در هفته های آینده در انتظار چنین حمله ای بود. خبرها حاکی از این بود که این حمله با اقدامات نیروهای سازمان یافته ضدانقلاب در درون کشور توأم خواهد بود. تا آنجا که ما اطلاع یافته ایم نقشه تجاوز عراق به ایران بین آمریکا و محافل امپریالیستی اروپای غربی، مصر و عراق با موافقت سایر محافل ارتجاعی منطقه طرح ریزی شده بود.

طبق این نقشه قرار بود که عراق با یک حمله غیرمنتظره، و با کمک سرسپردگان ضدانقلاب در ایران نیروهای هوایی و دریایی ایران را فلج کند و با استفاده از عدم آمادگی دفاعی نیروهای زمینی درخوزستان با یک حمله وسیع خوزستان را اشغال نماید.

این مرحله می بایست در همان ۳-۴ روز اول تجاوز عملی گردد.

مرحله دوم تجاوز عبارت بود از تشکیل دولت "ایران آزاد" بختیار و اوسبی.

روز ۵ مهراهم رئیس سازمان امنیت عراق به نمایندگی از طرف صدام حسین با سرخاشین ضدانقلابی ایران بختیار، ازهاران، آریانا، فریدون جم و اوسبی دیدار و گفتگویی داشته است، در این دیدار قرار گذاشته شد که با اشغال خوزستان "دولت ضدانقلابی ایران تشکیل گردد و با کمک ارتش اشغالگر عراقی، درخوزستان و به احتمالی نزدیک به بقیه در اهواز مستقر شود.

در همین تاریخ فعالیت دیگری در سوشس به وسیله اردشیر زاهدی که نماینده جناح آمریکائی خانواده شاه مخلوع است، آغاز شد. زاهدی پس از دیدار رئیس ساواک عراق با او به مصر رفت و ضمن مشورت با انور سادات و اشرف پهلوی موافقت شد که "دولت ایران آزاد" با ترکیب زیر تشکیل شود: بختیار نخست وزیر، اوسبی وزیر دفاع، اردشیر زاهدی وزیر خارجه، بیروز خوانساری وزیر کشور و فریدون جم رئیس ستاد ارتش.

پیرو این موافقتها بختیار و اوسبی و فریدون جم به بغداد مسافرت می کنند و در انتظار "پیروزی های برق آسای" ارتش آسای صدام ترکیبی مشغول تریاک کشیدن و جرت زدن می شوند. صدام به بختیار صریحاً اطمینان می دهد که به مجرد تشکیل "دولت" جناب ایشان،

عراق این دولت را به رسمیت خواهد شناخت و کشورهای عربی مانند مصر و عربستان و اردن و عمان به دنبال عراق خواهند آمد و آمریکا هم بلافاصله به این جنبه خواهد پیوست.

برده دوم نقشه این بود که نیروهای آماده شده ضدانقلاب در مصر و عربستان و عمان و عراق، یعنی افسران سرسپرده و ساواکی های فراری وارد مناطق اشغالی شده و یامک بخش مهمی از ارتش جمهوری اسلامی که امیدوار بودند به آن ها خواهند پیوست، "ارتش ایران آزاد" بختیار - اوسبی را تشکیل دهند. آن ها امیدوار بودند که با این پیروزی "برق آسای" و "سرام آور" و "گنج کننده" نیروی دریایی جمهوری اسلامی هم یکجا به آن ها خواهد پیوست و دیگر کار تمام است.

الته این برده دوم بود- برده دوم نقشه کذائی این بود که نیروهای ضدانقلاب در کردستان و آذربایجان شرقی، فارس و بلوچستان تمام منطقه غرب و جنوب ایران را به اشغال خود در آورند و به این ترتیب زمینه برای همفکر کردن جمهوری اسلامی ایران کامل گردد. با این مقدمات، امپریالیسم و ارتجاع منطقه و ضدانقلاب ایران اطمینان مطلق داشتند که تا اواسط و یا حداکثر اواخر مهراهم و آغاز آبانماه جشن آغاز سلطنت "کاملا مشروطه و آزاد" رضا "نیم پهلوی" را در ایران خواهند گرفت.

این ها همه "خواب های طلای" بود که امپریالیسم و ارتجاع منطقه و ضدانقلاب ایران به سرکردگی امپریالیسم آمریکا برای آرزوهای خود در زمینه، درهم شکستن انقلاب شکوهمند میهن ما دیده بودند.

ظاهرا نقشه تا دقت سیاقه ای طرح و تدارک دیده شده بود و طرح کنندگان و بویژه گردانندگان اصلی نقشه یعنی کارتر و رزینسکی و سیا و پنتاگون آمریکا به خیال خود همه عناصر و عوامل را خوب و دقیق سنجیده بودند. امپریالیست ها به کامیابی این طرح جهنی خود علیه انقلاب ایران آن قدر مطمئن بودند که حتی امپریالیسم انگلیس کمی پیش از آغاز حمله برای اجتناب از پیامدهای ناگوار پشتیبانی مسلمی که از این تجاوز به عمل می آورد، در انگلستان به یک حمله وحشیانه علیه دانشجویان مبارز ایرانی دست زد و در ارتباط با آن نظهرات کاملاً آرام اعتراضی دانشجویان را در تهران بهانه قرارداد و سفارت خود را در ایران به طور کلی تعطیل نمود. به امید این که پس از انجام نقشه مانند بعد از ۲۸ مرداد دیواره با برج "پیروزی" به ایران باز گردد.

امپریالیسم و ضدانقلاب برای محکم کاری و تأمین بدون تردید کامیابی نقشه اهریمنی خود در درون جامعه ایران هم از همان فردای کودتای عوزه همه امکانات خود را به کار انداخته و همه سرسپردگان خود را آماده ساخته بود. این فعالیت ضدانقلاب وابسته به امپریالیسم در سه زمینه به طور چشم گیری شدت می یافت:

اول در زمینه سازماندهی گروه های ضدانقلاب برای اقدامات احتمالی، دوم در زمینه تشدید هر چه بیشتر اختلافات میان نیروهای اصیل هوادار انقلاب، نه تنها میان نیروهای مبارز مسلمان و هواداران اصیل سوسیالیسم علمی بلکه میان خود نیروهای مبارز مسلمان برای منفرد ساختن وی اثر کردن نیروهای پیگیر و آشتی ناپذیر صدام امپریالیست و باز کردن راه برای سازشکاران.

انقلابی ما نظمه کنونی

آئی تجاوز دارودسته صدام نه طرح ریزی شد؟

در شماره ۸ هجریه تهیه شده است. از آنجا که تا مدتی به طول خواهد انجامید، نظر به اهمیت انجام گرفته است. متن آن را در شماره امروز نگاه کنید.

کند که باید هر چه زودتر "با را از روی دم این یلنگ برداشت" این سرخورد سازشکارانه و تسلیم طلبانه دروغی است که بسیار گمانه موزیانه به بازار سبب آورده می شود، در لافهای از شعار "لامی" با فرار دادن "آزادی" قتل از "استقلال".

همانست که یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی هنگام بحث با آمریکا با عصانیت ولی با روشنی بیان کرد که آن را به طور خلاصه کرد: تمام گرماییها و دشواریهای کشور ما از آنجا نگاهی قدر قدرت از در سیر در آمدن - شاید با آمریکا استی کم، زمین خواهد رفت، بولهایمان آزاد خواهد شد، قطعات بدکی محاصره اقتصادی پایان خواهد یافت، ارتش صدام خود به خود یون خواهد آمد، مستشاران اروپایی و ژاپنی و آمریکایی برای ما به ایران سرازیر خواهند شد، بزرگان فراری به ایران باز من متخصصان غارتگری به مدام خواهند آمد، اقتصاد کشاورزی و چیز به "دوران طلایی" گذشته باز خواهد گشت، هر کسی هم که گمونت است، زیرا اگر این مخالف توده ای باشد، طرفدار کورحانی و پادشاهی بیروخط امام باشد، طرفدار "دیکتاتوری" واقع همان دیکتاتوری برون تار با یعنی شعار کمونیست ها است، و به هر حال دیکتاتوری است، پس نه تنها با آزادی غارتگری اصلا با آزادی برای هر کسی و هر طبقه و هر موجود زنده ای در و چون حزب توده ایران می خواهد مردم را به این دیکتاتوری حتی با آزادی برای فعالیت خودی هم مخالف است و به همین بند می کند! راستی باید گفت "دست مبراز" و "مرحبا" بر تاشدن یک حرف "صاف و پوست کنده" باید انصاف داد که است کنده"، یعنی کوشش برای نگاهداری نظام غارتگری سرمایه - حکیم آن از راه تعدد و استتک به جهان سرمایه داری، یعنی نیست و ممکن است کار را به انفجار توده های غارت شده که یکدیگر در پوسته های شیرین به نام "دفاع از آزادی" و "دفاع از (از هر دوی توده ای و آخوندیش) بخورد مردم داد، جیک بزند، کمونیست است و خائن و باید نابودش کرد!

تجاوز آمریکایی دارودسته صدام ترکیبی به ایران رسوائی خط سازش و تسلیم، خط شکست انقلاب ضد امپریالیستی و به کا هادان زدن، به امید این که دشواریهای ناشی از جنگ و ودها و ناراحتیها مردم را آماده پذیرش رهنمودهای گمراه کننده باهی که امپریالیسم و ضد انقلاب و ارتجاع منطقه و آقای صدام ت انقلاب ایران کرده بودند، در مورد این گروه ها هم تکرار شد. م با اطمینان به میدان آمدند و چارو جنجال کم سابقه ای برپا ی انقلابی ایران در میجوش خود، علیرغم همه تلاشیهای ضد ی دیگر، همچنان با قاطعیت از خط اصلی انقلابی امام خمینی این خط سازشکارانه لبرالها و نسبت به هر تلاشی برای هموار آمریکا و دستیارانش حساسیتی بیش از حد تصور و انتظار این

که برای کشورهای نظیر کشور ما تنها و تنها استقلال واقعی در همه زمینه های سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی از سلطه استعمار و استعمار می تواند مانی آزادی های ضمانت شده اجتماعی را فراهم سازد، و این استقلال واقعی همان طور که امام خمینی بارها و بارها به درستی گفته است بدون بستن قطعی وی بازگشت هم راه های برقراری سلطه اسارت بار و غارتگرانه امپریالیستی به دست نمی آید و این راه های سلطه اسارت بار و غارتگرانه امپریالیسم جهانی کور نمی شود، مگر این که توده های دهها میلیونی محرومان جامعه، زحمتکش شهر و روستا، همان ها که قرن ها بیوغ ستم و غارت چپاولگران داخلی و خارجی را بر دوش کشیده اند، بتوانند آزادانه در تعیین سرنوشت خویش شرکت کنند و نظام کهنه غارتگری را براندازند و نظامی عادلانه برپایه برابری همه مردم برپا سازند.

این اکثریت دهها میلیونی مردم خواستار و پاسدار آزادی برای ساختن این نظام نوین می باشد. محدود ساختن آزادی برای غارتگران و پاسانان نظام کهنه و پوسیده، بزرگ مالکی و کلان سرمایه داری قانون اساسی هر انقلاب مردمی است. بدون محدود ساختن فعالیت هواداران نظام کهنه، تامل آزادی برای محرومان به منظور برپا ساختن و تحکیم بخشیدن نظام نوین عادلانه و مردمی غیر ممکن است.

رویدادهای روزهای اخیر و فریادهای پر درد امام خمینی که یک بار دیگر سیل خروشان محرومان را به حرکت در آورد، نشان دهنده همین قانون مندی تاریخی است که بار دیگر در جریان انقلاب شکوهمند ما به اثبات می رسد.

پیشرفت روند شناخت واقع بینانه از دوستان راستین و دشمنان آشتی ناپذیر انقلاب ایران

یکی از مهم ترین پیامدهای مثبت و ارزشمند این تجاوز جنایت بار آمریکا و دارودسته صدام به ما این بود که روند شناخت واقع بینانه مبارزان اصیل انقلاب ایران را در باره دوستان واقعی و دشمنان سوگند خورده انقلاب ایران به میزان زیادی تقویت نمود. برای حزب توده ایران این شناخت همیشه وجود داشت. ما همیشه از این واقعیت دفاع می کردیم که تمام اردوگاه اصیل ضد امپریالیستی جهانی از کشورهای سوسیالیستی گرفته تا جنبش اصیل کارگری کشورهای سرمایه داری و همه جنبش های راستین ضد امپریالیستی "جهان سوم"، چه آنها که قدرت دولتی را در دست گرفته اند مانند سوریه، الجزایر، لیبی و دهها کشور دیگر و چه آنها که برای به دست آوردن استقلال ملی علیه رژیم های وابسته امپریالیسم در نبردند، دوستان واقعی و هم سنگران قابل اطمینان انقلاب شکوهمند ما هستند و از هیچ کمکی به این انقلاب دریغ نخواهند کرد.

ولی با کمال تأسف همه نیروهای راستین هوادار انقلاب ایران این واقعیت را نمی پذیرفتند و بخش مهمی از مبارزان مسلمان نه تنها نسبت به بخش سوسیالیستی این جنبه ضد امپریالیستی، بلکه نسبت به بخش غیر سوسیالیستی و حتی بخش اسلامی آن با سوء ظن و پیشداوری های ناروا برخورد می کردند. فراموش نگردیم که علیه کشور لیبی که امروز شاهد پشتیبانی بی دریغش از جمهوری اسلامی ایران هستیم، از طرف عناصر و گروه های محلی نه تنها در دوران دولت کام به کام لبرال ها، بلکه در دوران دولت دوم چه تبلیغات زنده و ناروایی که همش در آشپزخانه های دروغ سازی امپریالیست ها ساخته و پرداخته شده بود جریان داشت.

بخش مهمی از مجموعه تبلیغات حتی تبلیغات دولتی ایران درست در جهت خواست های جنبه امپریالیستی آمریکا - اروپایی غربی - ژاپنی و چین و ارتجاع جهانی عمل می کرد. در بسیاری از موارد تجاوز چین به صورت نام قهرمان رنج کشیده به صورت تجاوز ویت نام به چین منتسب می گردید و حتی در چندین گفتار رادیو تهران از رژیم خون آشام سرنگون شده "پولت" در کامیج پشتیبانی و حمایت به عمل آمد.

تقریباً تمام اخبار و جعلیات خیرگرازی های امپریالیستی، "اسوشیالیزس" و "ریوت" و "برایا تدریس" و "فرانس یوس" علیه کشورهای سوسیالیستی، علیه کشورها و جنبش های اصیل ضد امپریالیستی بدون کوچکترین قید و شرط به خورد مردم داده می شد.

بمطور کلی جناح سازشکار و تسلیم طلب امپریالیسم آمریکا می کوشید از این ناباوری و سوء ظن و پیشداوری مبارزان اصیل مسلمان نسبت به دوستان واقعی انقلاب ایران حداکثر بهره گیری را کرده و با بخش حداقلی دروغ های سیا ساخته و رویت برداشته در مطبوعات وابسته به خود و به دست عوامل خود در رادیو تلویزیون - به این سوء ظن دامن زد. تا آنجا که این طور تبلیغ می شد اگر عراق به ایران حمله نظامی کند قبل از هر کشور دیگر سوریه و لیبی و یمن و نبال اتحاد شوروی و هندوستان علیه جمهوری اسلامی ایران به عراق کمک خواهند کرد. در این تحلیل ها حتی اسمی از آمریکا، انگلیس و فرانسه نتوان دشمنان انقلاب ایران برده نمی شد. اسناد این ادعاها همه سیاه روی سفید موجود است.

در درون کشور هم همین سیاست با تمام امکانات خود پیاده می شد. نیروهای اصیل انقلابی مورد شدیدترین حملات و گاه زدنانه سازشکاران و تسلیم طلبان قرار می گرفتند، در حالی که از خطر آمریکا گلهای حرف زده نشد. قابل توجه است که درست در همان هفته های که مسلمانان تجاوز عراق در حال تدارک بود و اطلاعات دقیقی در این زمینه می رسید، وزیر خارجه وقت ایران و نیز بلندگوهای خط آمریکا مردم را عقب خود سپاه می فرستادند و ادعا می کردند که گویا ارتش شوروی در مرزهای شمال ایران متحرک شده و آماده حمله به ایران هستند، "آیا همه این ها نشانهای از نادانی و کین توری است؟ وزیر خارجه ایران و وزیران و نمایندگان هوادار او تا آنجا پیش رفتند که ما بی پروای اعا کردند که "نامه مردم" در چاپخانه سفارت شوروی در تهران چاپ می شود و با کمال تأسف دادستانی انقلاب که به خوبی می داند این روزنامه در کدام چاپخانه به چاپ می رسد، این اطلاعات جهت آسیر را تکرار نمود.

تجاوز جنایت بار آمریکا ساخته عراق صدام به ایران ضربه سختی به این دارودسته و به ستون فقرات تبلیغاتشان وارد ساخت.

معلوم شد که آمریکا و انگلیس و اسرائیل و دست نشاندهگان شان دولت های مصر، عربستان سعودی، عمان، اردن، پاکستان و ترکیه همه در تدارک تجاوز عراق به ایران شرکت داشته و با تمام نیرو از این تجاوز پشتیبانی می کنند.

معلوم شد که فرانسه عزیز کرده بعضی از غربزدگان نه تنها بی طرف نیست بلکه درست در همین مرحله حسابی، از واگذاری کشتی های ایران که پولش را تا شاهی آخر و با قیمت ۳ برابر دریافت نه خود داری می کند و در مقابل با عجله برای برگردن جای هواپیماهای جنگی سرنگون شده عراق ۶۰ میز آفرین سیستم به دشمن انقلاب ایران تحویل می دهد.

معلوم شد که عراق سرازیر می شود.

معلوم شد که کشورهای جنبه پایداری عرب - الجزایر، سوریه، لیبی و جمهوری دموکراتیک یمن جنوبی و پشتیبانان جدی و به قول رئیس مجلس شورای اسلامی "برادروار" جمهوری اسلامی و انقلاب شکوهمند ایران هستند و از هیچ کمکی حتی به بهای رودر روی با کشورهای ارتجاعی عربی دریغ نمی ورزند.

معلوم شد که کشورهای سوسیالیستی نه تنها آماده کمک به جمهوری اسلامی می باشند، بلکه در انجام تعهدات عادی و جاری خود نسبت به دولت عراق از این اصل بیوری می کنند که از این راه گردنی به جمهوری اسلامی ایران وارد نکرد. چنان که می دانیم و از طرف مقامات رسمی ایران به مکرر تأیید شده است اتحاد شوروی از آغاز تجاوز عراق به ایران تحویل سلاح و جنگ افزار و وسایل بدکی را به عراق متوقف ساخته است و این روشی است که همه کشورهای سوسیالیستی در پیش گرفته اند.

این جریان در ضمن واقعیتی را که حزب توده ایران همیشه از آن دفاع کرده است به روشنی مورد تأیید قرار می دهد که کمک تسلیحاتی کشورهای سوسیالیستی به کشورهای دیگر هدفش تقویت نیروی دفاعی این کشورها در مقابل تجاوزات امپریالیست ها و نیروهای ارتجاعی وابسته به آنها است، نه برای تاجوز به حقوق و آزادی و استقلال خلق های دیگر.

بهر حال تجاوز آمریکا ساخته دارودسته صدام حسین برای دریدن نقاب ریا و ترور سرازیر به سازشکاران کمک بزرگی به نیروهای مبارز انقلابی ایران کرد و جای خرسندی بسیاری است که در پرتو این حادثه دردناک، نهال همکاری برادرانه بین جمهوری اسلامی ایران و کشورهای جنبه پایداری خلق های عرب که از سکرهای استوار جنبه ضد امپریالیستی در خاروسمانه و شمال آفریقا به شمار می آید، چنین نیروگرفته و در حال رشد است. سخنرانی وزیر جمهوری اسلامی ایران به الجزایر و لیبی و باز دید کتونی رئیس مجلس شورای اسلامی از این کشورها و سوریه و لبنان و سیاهای محکمی برای این بنا با اهمیت بوجود آورده و می آورد.

ما اطمینان داریم که این گرایش درست که این گونه جنون آمیز مورد حمله سازشکاران و تسلیم طلبان قرار گرفته است، به تدریج گسترش خواهد یافت و نیروهای اصیل انقلابی ایران در جریان نبرد زندگی و مرگ کتونی مین ما با امپریالیسم و ارتجاع جهانی به سرگردگی امپریالیسم آمریکا کام به کام در این جهت پیش خواهند رفت و در شرایط دشوار انقلاب ایران، پیش داوری های ناروا را به دور خواهند ریخت و دوستان واقعی انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ایران را خواهند شناخت و دست گرم دوستی آنان را خواهند فشرد. این راه ممکن است کوتاه و سریع نباشد ولی در هر حال شرایط دشوار نیردی که در گروش هستیم به این روند هر روز شتاب بیشتری خواهد بخشید.

تجاوز عراق و اختلافات درون مقامات مسئول کشور

در ماهها و هفته های فاصل بین کودتای نوزده و آغاز تجاوز آمریکا ساخته دارودسته صدام به ایران اختلاف نظر در باره شیوه اداره امور و برخی مسائل حیاتی زندگی سیاسی و اجتماعی کشور در درون مقامات مسئول عدت بی سابقه ای یافت. به طور مشخص رئیس جمهور و اقلیتی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی از یک سو و اکثریت این مجلس و دولت از سوی دیگر در دوطرف این میدان اختلاف نظر و سلبه و برخورد قرار داشتند.

اصد می رفت که با آغاز تجاوز جنایت بار دارودسته صدام به ایران و در برابر دشواری های عظیمی که این جنگ به ما تحمیل کرده و خواهد کرد بخش "ذهنی" این اختلافات لااقل برای مدت جنگ دفاعی به کنار گذاشته شود و جنبه متحدی از همه نیروها برای تجهیز همه امکانات، نه تنها برای درهم شکستن تجاوز آمریکا ساخته صدام، بلکه برای رویارویی با توطئه های مسلم آینده آمریکا بوجود آید. ولی با کمال تأسف ما شاهد آن هستیم که حتی شمارهای امام خمینی که با فریادهای پر دردی همراه بود نتوانست از حدت و شدت این اختلافات بکاهد. بازتاب بهرونی این اختلافات تنها در سخنرانی ها و موضع گیری ها و نوشته های روزنامه های دوطرف اختلاف نیست، بلکه در مسائل حیاتی مانند تعیین وزیران وزارتخانه های با اهمیتی مانند وزارت خارجه و وزارت اقتصاد و دارایی که بویژه در دوران کتونی دارای اهمیت حیاتی برای زندگی کشور هستند و هم چنین در مسائل مربوط به سیاست دفاع و شیوه رویارویی با توطئه های آینده امپریالیست ها نیز دیده می شود و احساس می گردد.

ادامه و شدت یافتن این اختلاف، بدون تردید، میدان سیاسی برای فعالیت ضد انقلاب و نیروهای های سازشکار و تسلیم طلب بوجود می آورد و برای سرنوشت انقلاب خطر جدی در خود می پیوراند. درست به همین جهت است که در هفته های اخیر بر فعالیت نیروهای لبرال هواداران نزدیک و سازش با آمریکا و آن نیروهایی که به احتمال زیاد بر پایه ارزشیابی نادرست، به خطر توطئه آمریکا برای از بین بردن استقلال جمهوری اسلامی ایران کم بها می دهند، به طور قابل توجهی افزوده شد. کمال عجب بود که همه این نیروها کوشیدند که در این میدان اختلافات موضع گیری کنند و بخشی از آنها با نشان دادن بسیار مودبانه شعار "آزادی، استقلال، جمهوری اسلامی" به جای شعار "استقلال آزادی، جمهوری اسلامی" و بخشی با کم بها دادن به خطر توطئه آمریکا و به طور عمده تکیه کردن بر روی محدودیت های قابل انتقادی که در اجرای اصول قانون اساسی در زمینه آزادی های فردی و اجتماعی بوجود آمده است نکت روی این آتش اختلافات ریختند.

حزب توده ایران به لزوم ایجاد "جنبه متحد خلق"، یعنی جنبه ای که بتواند همه نیروهای راستین و بی گن انقلاب ایران را در برگیرد اعتقاد راسخ دارد و بر آن است که علی رغم بالا رفتن شعله های سوزان این اختلافات، بخش عمده نیروهای که در دوطرف اختلاف قرار دارند، باستانی لبرال ها و امپریالیست ها که خود را در این میان جا زده اند، و "حامیان قانون اساسی و دولت بختیار" که آب گل آلود پیدا کرده و در صدد ماهی گیری هستند، از عناصر تشکیل دهنده جنبه متحد خلق، برای تثبیت و تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب شکوهمند ما در جهت تاملین استقلال ملی، آزادی و دگرگونی های بنیادی به سود محرومان جامعه می باشند.

به نظر حزب توده ایران پیام امام خمینی درباره لزوم حفظ و تحکیم وحدت رهنمود مشخص برای همه نیروهایی است که عمیقاً هوادار نگاه داری دستاوردهای انقلاب شکوهمند ما می باشند. به نظر ما دیگر شخصی و روشی شده است که این وحدت تنها از راه انجام زدن به لبرال ها و توطئه گران و کلوخ اندازان امکان پذیر است، چه آنها که دانسته در این راه کام می درازند و چه آنها که نادانسته در این راه اسفون گران افتاده اند و با از شدت خودخواهی و خودبینی دچار کوری سیاسی شده اند. در این زمینه باید صریحاً اعلام کنیم که حزب توده ایران به خطری که از جانب گروه های انحصار طلب در جهت محدود کردن آزادی های مردم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تضمین شده است، کم بها نمی دهد. این تلاش از مدت ها پیش به طور روشن دیده می شود و پیش از سایر گروه های حزب ما پیامدهای گروهک های ارتجاعی را با کوشش و بیعت خود احساس کرده و می کند. مراکز حزب ما هنوز در اشغال غیر قانونی است، هنوز ما مجبوریم فعالیت قانونی حزبی خود را پنهان از چماق داران و ساواکی ها و گمراهان افراطی انجام دهیم هر روز پیرونده سازی تازه ای علیه حزب، انجام می گیرد.

درست در زمانی که حرکت فعال پرستار از ایثار مبارزان توده ای در جنبه های جنگ برای دفاع از جمهوری، برای انجام وظیفه ای که قانون اساسی برای همه افراد ملت ایران، صرف نظر از اید پولوژی و سمت کوری سیاسی شان، تعیین کرده است، هر روز چشم گریز می گردد، شاهدان هستیم که مقامات در جنوب کشور تنها بر پایه کینه و پیش داوری های که محصول تبلیغات زهر آلود دشمن است، به پنهان تحریکات گروهک های آمریکا ساخته، چپ نیامازان توده ای را از انجام این وظیفه توده ای سبندی محروم می سازند. حزب توده ایران به هیچ وجه به این بی قانونی ها و قانون شکنی ها، کم بها نمی دهد و آنرا خطر بزرگی برای گسترش انقلاب می داند. ولی با وجود همین کمبودها و ضعف های چشم گیر در زمینه احترام به آزادی و قانونیت، از دفاع از همین در مقابل توطئه های امپریالیسم هار و خونخوار و مکار آمریکا و دستیارانش، تا زمانی که برای دفع خطر این توطئه ها تضمین کافی بوجود نیامده، در مرکز کلیه مسائل اجتماعی کشور ما قرار دارد.

درست بر همین پایه است که حزب توده ایران موضع گیری خود را در برخورد با جنبه های گوناگون میدان سیاست ایران مشخص می سازد. از همین رو موضع گیری حزب ما کاملاً ساده و روشن است. پشتیبانی و همکاری حزب ما با آن نیروهایی است که در مبارزه علیه توطئه های خائنانه برانداز امپریالیسم جهانی به سرگردگی امپریالیسم آمریکا، در مبارزه علیه توطئه های ضد انقلاب و در لحظه کتونی در تجهیز نیروها برای درهم شکستن تجاوز آمریکایی عراق، قاطع تر، بی گریز و آشتی ناپذیرتر عمل می کنند. این است سنگ محک عده های که ما با آن میزان صداقت، بی گریز و قاطعیت نیروهای سیاسی را در زمینه پاسداری از دستاوردهای انقلاب شکوهمند ما می بینیم بدون این که به سنگ محک دیگر یعنی وفاداری به اصول تضمین کننده آزادی های فردی و اجتماعی که در قانون اساسی پیش بینی شده است کم بها دهیم و لحظه ای از تلاش خود برای تاملین این آزادی ها دست برداریم.

چه خواهد شد؟

این پرسشی است که همه مبارزان و همه هواداران انقلاب از خود و از یکدیگر می کنند. چه خواهیم کرد؟ پاسخ این پرسش برای مبارزان انقلابی، برای اکثریت مردم ایران که از جمهوری اسلامی ایران مانند مردمک چشم پاسداری می کنند کاملاً روشن است: تا آخرین نفس خواهیم جنگید و همه امکاناتمان را برای پیروزی نهایی در این نبرد تجهیز خواهیم کرد. در این که در شرایط کتونی جهان و منطقه اگر نیروهای انقلابی ایران بتوانند همه نیروهای خود را تجهیز کنند و از همه امکانات مثبت درون ایران و دنیای خارج به بهترین وجه برای تقویت نیروهای خودی بهره گیری کنند پیروزی در این جنگ عادلانه از آن ما خواهد بود، کمتری توان تردید کرد. با شرکت فراگیر نیروهای خلق در نبرد برای نگاهداری دستاوردهای انقلاب شکوهمند ما - همگونی امکان برای پیروزی علیه تجاوزگران بیگانه، و ضد انقلاب داخلی و سازشکاران و تسلیم طلبان وجود دارد. مسئله اساسی در این مرحله تجهیز همه جانبه امکانات عظیمی است که در اختیار جمهوری اسلامی ایران قرار دارد. حزب توده ایران ناگوار به طور بی گمراه درست تجهیز همه نیروها را پیشنهاد کرده و در آینده هم آنرا علی رغم همه دشواری ها دنبال خواهد کرد.

ولی این تجهیز نیرو حتی اگر بدون عیب و نقص باشد، کافی نیست، باید نقشه های دشمن را هم دقیقاً شناخت و ارزیابی کرد.

نیروی همه مبارزان انقلابی ایران خوب می داند که جنگ کتونی ما تنها جنگ علیه دارودسته صدام نیست و پشت سر صدام تمام امپریالیسم جهانی و ارتجاع منطقه به سرگردگی امپریالیسم آمریکا ایستاده و با تمام قوا می کوشد که با این جنگ به هدف اصلی شان که درهم شکستن جمهوری اسلامی ایران و در حقیقت پایان دادن به رهبری امام خمینی است نائل شوند. در توضیح این مسئله باید گفت که در واقع امپریالیست ها حتی حاضرند تمام ظواهر جمهوری اسلامی ایران را قبول کنند، تنها به شرطی که نیروی تعیین کننده در آن نظام ظاهر خمینی نباشد یا به عبارتی ساده مختصر جای هواداران اصیل و بی گنر خط امام خمینی را گروهی از "سایه روها" و "اعتدالین" اشغال نمایند. تمام دعوا بر سر همین "مختصر" است. این توطئه ها هم خوشبختانه مراتب پایداری امام خمینی و پایداری همه مبارزانی که به هدف های اصیل انقلاب شکوهمند ما با اینستند و وفادارند، با شکست متفحصانه روبرو شد. آن ها که از آغاز جنبش با این هدف ها مخالف بودند و سلطنت مشروطه را حتی با محمد رمای جنایت کار، تنها به شرط این که از خود انتقاد کند، هوسند خود فرار داده بودند، نتوانستند در این لحظه بحرانی انقلاب را از هدف های تاریخی اش منحرف سازند. اکنون این پرسش پیش می آید که امپریالیسم آمریکا در ادامه توطئه تجاوز عراق به ما چه نقشه هایی می تواند داشته باشد؟

تصور می که سربال توطئه های آمریکا برای درهم شکستن انقلاب ایران همین جا پایان خواهد پذیرفت و با درهم شکسته شدن تجاوز دارودسته صدام آمریکا بچه مودعی خواهد شد تنها می تواند ساده دلی و خامی را نشان دهد. بدون تردید امپریالیسم جهانی و ارتجاع منطقه که با تدارک عظیمی این توطئه را پاره انداختند خواهند کوشید:

کارگران خراسان همگام با سایر زحمتکشان آماده دفاع از انقلاب، میهن و جمهوری اسلامی ایران اند

طی اطلاعیه‌ای که از سوی سندیکای کارگران صنعت راه و ساختمان مشهد صادر شده، کارگران این سندیکا آمادگی خود را برای دفاع از میهن انقلابی در برابر تجاوز رژیم صدام اعلام کرده‌اند.

در این اطلاعیه آمده است: "بفرموده امام امت رهبر بزرگ انقلاب اسلامی ایران، اکنون که میهن عزیز اسلامی‌مان مورد تجاوز دولت دست‌نشانده عراق واقع شده، وظیفه هر میهن‌پرست انقلابی و هر مسلمان مبارز از هر طبقه و صنفی است که به دفاع از مرزهای کشور جمهوری اسلامی ایران برخیزد. اطلاعاتی که در دست آمده که هدف از حملات رژیم آمریکایی صدام، سرنگونی دولت جمهوری اسلامی ایران است که بدستور شیطان بزرگ آمریکای جهان‌نور انجام می‌گیرد.

در خاتمه کارگران عضو سندیکای راه و ساختمان مشهد آمادگی خود را برای دفاع از دستاوردهای انقلاب و میهن، در مقابل تجاوز رژیم صدام و ارباب امپریالیست و اعلام کرده‌اند.

سندیکای کارکنان صنایع غذایی مشهد طی اطلاعیه‌ای ضمن محکوم کردن تجاوز رژیم صدام، اعلام داشت که کارگران و کارکنان عضو سندیکای صنایع غذایی آماده مبارزه با تجاوز صدام، این نوکر حلقه بگوش امپریالیسم آمریکا در منطقه هستند. ضمناً از کارگران و زحمتکشان خواسته شده که در سازمان بسیج مستضعفین نام‌نویسی کنند.

کارگران کارخانه‌های صنعتی سیم‌الکتریک، تیم، سیما، مشهد، نساجی خسروی (نخ‌ریسی) با تشکیل واحدهای ارتش‌رهایی بخش مستضعفین در کارخانه‌ها آمادگی رزمی خود را جهت اعزام به جبهه اعلام داشته‌اند.

از طرف سندیکای کامیونداران شیروان (دارندگان تک کامیونی) نیز طی اطلاعیه‌ای آمادگی کامیونداران برای اختصاص کامیون‌ها به کمک در امر حمل مواد غذایی و کالا به جبهه از طریق ستاد بسیج مستضعفین اعلام شده است.

سندیکای کامیونداران اضافه کرده است که اعضا سندیکا حاضرند هم پای سایر زحمتکشان و انقلابیون میهن تا پای جان از استقلال و تمامیت ارضی میهن انقلابی دفاع کنند.

میهن انقلابی ما...

بقیه از صفحه ۵

۱- هرطور شده از شکست دارودسته صدام در جنگ که مسلمانان به سرنگونی این دارودسته خواهند شد، جلوگیری کنند و تا آنجا که ممکن است این تجاوز را به‌دراز بکشانند. البته وضع در درون عراق به شدت بحرانی است. خبرهای رسیده نشان می‌دهد که بحران به‌درون حزب حاکم بعث و به‌درون رهبری حزب هم کشیده شده است. نیروهای انقلابی ضد رژیم بعث به شدت فعال شده‌اند و خوشبختانه گرایش به همکاری، به‌عنوان مهم‌ترین عامل تجهیز نیروهای انقلابی، در حال رشد است. اظهارات مشخص و روشن آیت‌الله سید محمد باقر حکیم، رهبر روحانیت مبارز عراق را درباره همکاری "باتمامی گروه‌های وفادار، چه مسلمان و چه غیراسلامی" باید به فالی نیک گرفت و مورد پشتیبانی جدی قرار داد. پیروزی این جبهه بدون تردید پیروزی بزرگی برای جمهوری اسلامی و انقلاب میهن ما خواهد بود.

ولی نباید فراموش کرد که نیروهای ارتجاعی هم در عراق فعال شده‌اند و احتمال کودتای انورساداتی با همه مودی‌گری‌ها و مردم‌فریبی‌های غیرممکن نیست. در صورتی که آمریکا مطمئن نباشد که تحول در رهبری عراق در جهت تامین منافع امپریالیسم و ارتجاع منطقه باشد باتمام قوا خواهد گریخت دارودسته صدام را نگاه دارد.

۲- اگر امپریالیسم نتواند با وجود رساندن همه‌گونه کمک از هزیمت دارودسته صدام جلوگیری نماید، مسلماً برای ناتوان کردن نیروی مقاومت جمهوری اسلامی خواهد کوشید از راه‌های دیگر ضربه‌های تازه‌ای وارد سازد. نیروهای سرسپرده به امپریالیسم و وابسته به ارتجاع منطقه در کردستان، فارس و بئوجستان و هم‌چنین نیروهای ضدانقلاب وابسته به حزب خلق مسلمان در آذربایجان و ضدانقلاب سازمان یافته در سراسر ایران هنوز به‌عنوان ذخیره، احتمالی امپریالیسم در اختیارش می‌باشند.

۳- امپریالیست‌ها در منطقه خلیج فارس، اقیانوس هند و شرق مدیترانه نیروی بی‌سابقه عظیم تهاجمی متمرکز ساخته‌اند. تصور این که بیش از ۶۰ ناو جنگی آمریکا و انگلیس و فرانسه در دریای عمان و خلیج فارس، بیش از ۲۰ ناو جنگی آمریکا در منطقه مجاور خاورمیانه درسدیترانه، ده‌ها هزار سرباز آمریکایی آماده برای تجاوز و تهاجم در روی ناوها یا صدها هواپیما و تانک و زره - پوش، انبارهای عظیم ساز و برگ و جنگ‌افزار، در پایگاه‌های جنگی آمریکا در عمان، بحرین، عربستان سعودی، مصر، سومالی، کنیا و نیروی عظیم تجاوزکار اسرائیل، مراکز جاسوسی سی‌ا‌د پاکستان و عربستان سعودی همه این‌ها مسلماً برای آب‌تنی در آب‌های گرم دریای عمان و خلیج فارس نیامده‌اند.

برخورد آمریکا و متحدینش با تصمیم روشن و عادلانه مجلس شورای اسلامی در مورد گروه‌ها یک‌بار دیگر این حقیقت را تأکید کرد که امپریالیست‌ها در مناسبات خود با ایران تنها یک هدف را دنبال می‌کنند آن درهم شکستن انقلاب ایران است. و تمرکز این نیروی عظیم تجاوز در منطقه خلیج فارس تنها و تنها برای رسیدن به این هدف است. این را باید خیلی جدی گرفت. درست است که برحذریش‌های اتحاد شوروی، آمریکا را در زمینه تجاوز مستقیم نظامی به ایران دچار تامل خواهد کرد، ولی تصور این که ایالات متحده دست به چنین ماجراجویی نخواهد زد از حزم و احتیاط انقلابی دور است. تاریخ ۲۵ ساله سیاست خارجی آمریکا پس از جنگ دوم جهانی نشان‌دهنده جنایات و ماجراجویی‌هایی است که هیچ‌کدام شان در چهارچوب منطق عادی نمی‌گنجند. تجربه تجاوز نظامی در طبرستان و کودتای نوزدهم و تجاوز عراق به ایران نشان‌دهنده این واقعیت است که دشمنان انقلاب ایران اغلب و می‌توان گفت همیشه روی پایه‌های بسیار سست دست به ماجراهای خطرناک می‌زنند.

این تجربه‌های تلخ و بویژه توطئه آمریکایی تجاوز عراق باید برای نیروهای انقلابی ایران به منزله بیدارباش بسیار جدی باشد. تنها در ارتباط با امکان تجاوز آینده امپریالیست‌ها است که باید سیاست دراز مدت تجهیز نیروها برای پایداری و مقاومت در درون جامعه ایران و بهره‌گیری از همه امکانات مساعد موجود در جهان پایبندی کرد و با جدیت دنبال شود.

امیدواریم که مسئولان جمهوری اسلامی ایران این بیدارباش ما را خیلی جدی تلقی نمایند.

۲۲ آبان ۱۳۵۹

رانندگان تاکسی بار تبریز:

ایران وطن ماست، زبونی وضع آنرا یک لحظه هم طاقت نمی‌آوریم

که چیزی نیست.

آقای چرندابی، در این رابطه، حتی با ارائه طرحی مبنی بر تحویل بنزین بر اساس کارکرد اتومبیل (بر حسب کیلومتر)، خواهان کنترل بیشتر دولت بر ارائه بنزین و جلوگیری از سوء استفاده افراد فرصت طلب در این شرایط بحرانی و جنگی می‌شود.

از شرکت آنها در جبهه گسترده نبرد علیه مزدوران آمریکایی صدام و چگونگی کمک آنها به رزمندگان خط مقدم جبهه نبرد می‌پرسیم.

"نعمت‌الله قره‌داغی" می‌گوید:

"با جان و دل حاضرم هر فرمانی را اجرا کنم."
"علی گوزلی" می‌گوید:
"ما از هر لحاظ حاضریم کمک هستیم. بجان ما و مالا. ایران وطن ماست زبونی و ضعف آنرا یک لحظه هم طاقت نمی‌آوریم."

"محمد فهمیده" ضیا می‌گوید:
"تاکنون مبلغ نا قابل ۵۰۰ تومان برای جنگ زدگان پرداخته‌ام و همچنین یک روز را مجاناً برای جهاد سازندگی کار کرده‌ام."

"محمدعلی تعبیری" می‌گوید:
"من اغلب روزها وقتی از ده محل سکونت به شهر می‌آیم، کمک‌های جمع آوری شده از طرف مردم آن مناطق را برای جهاد تبریز حمل می‌کنم."
"بهمن سنایی اسکویی" نیز از کمک‌هایی که تاکنون نموده است چنین یاد میکند:

"کمک‌های من ناچیز است، ولی به‌رحال کمکی نموده‌ام، مثلاً: زمانیکه به پالایشگاه حمله‌هواپی شد، من گچ و بنا و کارگر برای مهار کردن آتش به پالایشگاه می‌بردم و همچنین در جمع‌آوری و حمل کارتن برای فرستادن دارو به جبهه نیز شرکت کرده‌ام."
"و بالاخره عباس چرندابی" راننده ۸۳ ساله در جواب سؤال ما با حجب غرور آفرینی چنین می‌گوید:
"آخر من چطور بگویم؟ هیچی! تنها ۵۰۰ تومان به شماره حساب هلال احمر ریخته‌ام."
وقتی از احساسات پاک و عشق عمیق و انسان‌شایش تقدیر می‌کنیم، با شرمندگی می‌گوید:

"مردم باید دست به دست هم بدهند، مردوزن، بی‌روخوان باید کار بکنند، زحمت بکشند، قصور نباید کرد، باید با عشق کار کرد، مثل مرده‌ها نباید کار کرد، جوانها به جبهه میروند، تفنگ بدست میگیرند، من هم باید به نوبه خودم وظیفه و دینم را ادا کنم." و اضافه میکند: "ما الان به آنچنان چیزهایی رسیده‌ایم که حتی یک ذره آنرا نیز نباید از دست بدهیم. نه آذربایجان، نه فارس، نه بلوچ، نه کرد، نه سیحی... هیچکدام نباید کنار بروند، همه ایرانی‌اند، همه اینجا زندگی میکنند، باید دست بدست هم ایران را حفظ کنند."

با این سؤال که امکان پیروزی ما تا چه اندازه است و یا شنیدن جوابهای آنها که در زیر می‌آید، از این زحمتکشان خدا حافظی کردیم. با این اطمینان که به همت کارگران و زحمتکشان ایرانی، راه سعادت و بهروزی ایران عزیز را از میان خیل دشمنان وحشی و بیرحم خویش مسلماً خواهیم گشود.

"بهمن سنایی اسکویی": "ما پیروز میشویم، زیرا قلب ما پاک است، ما ایمان داریم."
"علی گوزلی": "ما پیروز خواهیم شد، ما نیروی ایمان خود را به دشمنانمان نشان خواهیم داد."
"عباس چرندابی": "من رشادت‌های این ملت را دیده‌ام، ملت همه باید مساعدت کنند، ما پیروز میشویم."

با تجاوز گرازان گروه صدام حسین به دشتهای شقایق‌زار میهنمان که همچنان از خون شهیدان انقلاب شکوهمندمان گلگونند، خشمی مقدس سراپای وجود هموطنان زحمتکش و داغ‌دیده‌امان را فراگرفته زحمتکشان ایرانی که با خون بیش از ۷۰ هزار تن از بهترین فرزندان خویش نه‌فاله انقلاب خود را بارور ساخته‌اند، اجازه نخواهند داد که این نهال، یا مال گرازان وحشی و مزدور صدام گردد. آنها مصمم‌اند تا سرزمینهای اشغالی میهن مقدس خود را گورستان اشغالگران و متجاوزین سازند.

زحمتکشان ایرانی که هم اکنون فرزندان خود را به جنگ رویاروی با دشمن روانه ساخته‌اند، خود نیز در پشت جبهه به انحاء گوناگون به انجام تدارکات برای این جنگ تحمیلی مشغولند و در این راه هرگونه سختی و مشقت را به جان می‌خورند.

توده‌های زحمتکش ایرانی که تضییقات وحشیانه رژیم شاه معدوم را به هنگام دست‌وپا زدنهای مذبوحانه او در اواخر عمر خویش چشیده‌اند، اکنون نیز با استهزا نسبت به‌خام - طبیعی‌های امپریالیسم آمریکا و رژیم مزدور صدام حسین با سربلندی و علو طبع، مصائب ناشی از جنگ را تحمل می‌کنند.

از جمله: پس از تجاوز بعثیون عراقی به خاک ایران و جیره بندی بنزین، هر روز، صدها تاکسی بار در شهر تبریز به انتظار دریافت جیره مقرر خود، ساعت‌های زیادی را در صف بنزین می‌گذرانند. به منظور آشنایی و دریافت نظریات این رانندگان زحمتکش با چند تن از آنان به گفتگو می‌نشینیم. رانندگانی که ما با آنها صحبت کردیم، هر کدام بین ۶الی ۱۰ ساعت در صف نوبت به سر برده‌اند.

اغلب رانندگان در پاسخ به این سؤال که آیا با توجه به کمبود بنزین کرایه دریافتی خود را افزایش داده‌اید، ضمن ابراز تنفر و انزجار از اینگونه اعمال، افرادی را که به چنین اعمالی دست می‌زنند، فرصت طلب و غاشن نامیدند.

"بهمن سنایی اسکویی" در این باره گفت:
"به نظر من در اوضاع و احوال کنونی نه تنها باید از افزایش کرایه‌ها خودداری کرد، بلکه برای جلوگیری از سوء استفاده ضدانقلاب که از اینگونه اعمال برای بدبین ساختن مردم نسبت به انقلاب استفاده می‌کند باید حتی از میزان کرایه نیز بکاهیم."

از رانندگان سؤال کردیم که آیا از اینکه هر روز می‌باید مقدار زیادی از وقت خود را در این صف‌ها بگذرانند و بعلاوه مقدار زیادی از درآمدشان نیز کاسته شده است، ناراحت نیستند؟

"محمد فهمیده" ضیا گفت:
"هیچگونه ناراحتی ندارم، فقط می‌خواهم هرچه زودتر پیروز شویم."
"نعمت‌الله قره‌داغی" پاسخ داد:

"چرا ناراضی و ناراحت باشم، جنگ است، جنگی که طی آن به ما تجاوز شده است. عراق به دستور آمریکایی غاشن به ما تجاوز کرده است، ما که به او تجاوز نکرده‌ایم، ما فقط از شرف و ناموس خود دفاع می‌کنیم. ما به دستور امام خمینی مقابل می‌کنیم."

"عباس چرندابی" راننده ۸۳ ساله با ۴۷ سال سابقه کار اضافه کرد:
"من از این وضع ناراحت نخواهم شد، چون که اوضاع مملکت به من حکم می‌کند که تحمل داشته باشم. اینها

کارگران مبارز ایران! در یکدست با ابزار کار و در دست دیگر با سلاح، از میهن انقلابی دفاع کنید

بامداد ۲۱ شهریور ۱۳۵۹، نظامیان ترکیه علیه دولت قانونی آن کشور کودتا کردند. تنکبا در مهم ترین نقطه آنکارا استقرار یافتند، رئیس جمهور، نخست وزیر و بسیاری دیگر از رهبران سیاسی دستگیر شدند، سندیکاها و دیگر سازمان های توده ای منحل گردیدند و هرگونه فعالیت سیاسی ممنوع اعلام گشت.

صادق نبود که نخستین خیر درباره کودتا از وزارت خارجه آمریکا رسید! پس از مدت کوتاهی اذعان شد که کودتاجیان ترکیه بولت آمریکازا از نقشه های خویش مطلع ساخته بودند. لذا این ارزیابی بجاست که واشنگتن خود مستقیم فرمان کودتا را صادر کرد.

یکروز پس از کودتا، حتی روزنامه بورژوازی دوستدوپیچه آلکمانیه تسایونگ، منتشره در آلمان غربی نوشت:

«می توان تصور کرد که اصرار آمریکایی ها، که پس از انقلاب ایران بویژه نگران تصفیع ضلع جنوبی «فاتو» هستند، بالاخره کار خود را کرده چالب آنکه سیاستمداران غربی حتی یک کلمه درباره نقض دمکراسی، «نقض حقوق بشر» و یا دخالت در امور داخلی» ترکیه بزبان نیاوردند. همان احزاب و سیاستمدارانی که حتی یک روز پیش «مردم» را فرا می خواندند، تا به سندیکاهای «آزاد» لهستان کمک مالی بکنند، درقبال منع فعالیت سندیکاهای کارگری ترکیه در سکوت محض غرق شدند. برعکس، ماتهور، وزیر دارایی آلمان غربی اعلام کرد:

«ترکیه کماکان هم پیمان مهم بین المللی ما خواهد بود».

براندت، صدر حزب سوسیال دمکرات آلمان (فدرال) تنها تاسف خورد که نظامیان بتوقیف «دوست» او، اجویت ناچار شده بودند! طبیعتا، نه تنها آلمان غربی، بلکه دیگر کشورهای «فاتو»، از جمله ایالات متحده آمریکا، بریتانیا و ایتالیا، لازم ندیدند که نیروهای خود را از «مانورداران» فراخوانند.

اطلاعات رسمی نظامیان ترکیه در توجیه کودتا طوری تنظیم شده بود که افکار عمومی کشورهای «فاتو» را آرام کند. آنها ادعا داشتند که تنها بخطر استقرار «آرامش و نظم» و «مقابله قاطعانه با تروری» که از آغاز سال میلادی جاری، نزدیک به دوازده نفر قربانی آن شده بودند، مجبور به کودتا گردیده اند! درحالی که همه کس میدانند که رهبران نظامی، خود از جمله کسانی بودند، که به موج ترور در ترکیه دامن میزدند. ددمشترین تروریست های ترکیه «گروه های خاکستری» بودند، که سازمان شبه نظامی حزب فاشیستی «جنبش ملی» را تشکیل میدادند. این حزب دربارلمان از دولت دمیرل پشتیبانی میکرد و بهمین دلیل نیز از اطلاق خاص نخست وزیر سابق ترکیه بهره مند میشد. چند تن از روسای برجسته «میت» (ساواک ترکیه) عضو «جنبش ملی» بودند و «گروه های خاکستری» اغلب اطلاعات خود را درباره قربانیان «سبیه های جنایتکارانه خود» بویژه رهبران سندیکایی، کمیونیست ها و دمکراتها، مستقیم از آذن دریافت میداشتند.

«جنبش ملی» همچنین از روابط دوستانه ای با رهبری ارتش برخوردار بود. رهبران «جنبش ملی» که خود در کودتای ۱۳۳۹ شرکت داشتند، ژنرال های ترکیه را خوب می شناسند. برای درک موضع ارتش نسبت به تروریسم، کافی است یادآور شویم که در دوره های آموزشی ارتش ترکیه، از یکی از درسامه های معروف «سبیه» استفاده بعمل می آید. در این درسامه، که

امین دگر، مشاور حقوقی وزارت دفاع ترکیه، سه سال پیش قسطنطنیه از آنرا منتشر ساخت، «سبیه» «عملیاتی» را توصیف می کند که «مردم آنها را کار انقلابیونی بدانند که از هیچگونه سمیت خودداری نمی ورزند. از ایتراه میتوان افکار عمومی را در طرفداری از نظم و علیه خرابکاری تجهیز کرد. فزون براین، باید سازمان شبه نظامی قدرتمندی را تشکیل داد».

رهبری ارتش ترکیه در اقتصاد کشور نیز بس «دینفع» است. در این زمینه «اتحادیه» موسوم به «اوجک» از مقامی ویژه برخوردار است. این «اتحادیه» که در حدود ۱۹ سال پیش با سرمایه ای نسبتا ناچیز تاسیس یافت، پس از چند سال به دومین «شرکت هلدینگ» ترکیه تبدیل شد. «اوجک» عملا تحت نظارت فرماندهی عالی نیروهای مسلح قرار دارد و از طریق قراردادهای همکاری با کسرن های خارجی، از جمله «نوتو» از سودهای هنگفت بهره مند میشود. بخشی از این سودها بهنگام بازتوسعه به افسران تعلق میگیرد. هر قدر درجه افسر بالاتر باشد، سهم او نیز بیشتر خواهد بود. از سوی دیگر، از طریق «اتحادیه» نامبرده، وابستگی نزدیک میان نظامیان و بورژوازی زمین میشود.

ترکیه اینک با بحران اقتصادی عمیقی روبروست. دیون خارجی این کشور بالغ بر ۳۲ میلیارد دلار میشود و ترکیه سمسال است. که اقساط این وام ها را نبرداخته است. بحران کنونی فرآورده «سیاست توسعه» است، که «صندوق

بین المللی پول» سالب تبلیغ میکرد. کشورهای امپریالیستی، بویژه ایالات متحده آمریکا و جمهوری فدرال آلمان، تامین مالی این سیاست را بعهده گرفتند و دولت های ترکیه به اجرای آن تن دردادند.

ده سال است که در ترکیه بجای بنیانگذاری صنایع سنگین، تنها به ایجاد موسسات موتوژ اکتفا میشود. این ساختار اقتصادی سبب گردیده است که صنایع خصوصی ۶۰ درصد نیمه فرآورده ها و ۸۰ درصد وسائل تولید مورد نیاز خود را از کسرن های چندملیتی دریافت دارند. بدینسان نیازمندیهای وارداتی ترکیه بر مراتب سریع تر از تولید صنعتی آن رشد یافته است.

بورژوازی بزرگ ترکیه میکوشد تا بحران اقتصادی کنونی را بسود خویش حل کند، بدین معنی که بار سنگین مشکلات اقتصادی را بردوش زحمتکشان بگذارد، گرد آبی سرمایه را تشدید بکشد و بخش دولتی صنایع را به صاحبان خصوصی واگذار کند. دولت دمیرل حداکثر کوشش خود را برای تحقق هدف نامبرده بعمل آورد. این دولت محدودیت هایسی را که پیش از آن برای ورود سرمایه خارجی وجود داشت، از میان برده، تسهیلات صدور سرمایه داخلی را به خارج گسترش داد و با وضع قوانین جدید از امکانات سندیکاها کاست. چنانکه میدانیم، زمستان پیش «اعتصاب کارگران نساجی ازمیر» با مداخله ارتش پایان یافت. در سالهای پیش، شرایط زندگی زحمتکشان

ترکیه سرعت بوخامت گزاید. در سالهای ۵۹-۱۳۵۷، درحالی که دستمزد کارگران تغییر حاصل نکرد، قیمت ارزاق عمومی تا ۲۰۰ درصد افزایش یافت. یک خانواده شش نفره، چنانچه حتی تمام ماه نان و بیاض بخورد، هزینه اش بالغ بر ۶۳۰۰ لیره ترکیه میشود. درحالی که یک کارگر نساجی، ماهانه، فقط ۴۰۰۰-۳۰۰۰ لیره درآمد دارد.

گرچه دولت دمیرل برای پیشبرد امیال بورژوازی بزرگ ترکیه، کسرنهای خارجی و استراتژی های «فاتو» حداکثر آمادگی و «حسن نیت» را نشان میداد، ولی چنین نمی نماید که وی توانست رضایت کامل نیروهای نامبرده را تامین کند. این محافل، حتی پیش از آنکه دولت دمیرل در زمستان سال پیش زمام امور را بدست گیرد، برای تامین ادامه سیادت خود و حفظ منافع امپریالیسم در این منطقه حساس جهان، دو راه حل در نظر گرفته بودند: «اتلاف بزرگ» با حزب اجویت و یا دیکتاتوری نظامیان.

در تاریخ دوازدهم دیماه ۱۳۵۸، رهبری نیروهای مسلح ترکیه، در یادداشتی به رئیس جمهور آن کشور، سیاستمداران ترکیه را به بی لیاقتی و عجز متهم ساخت. هر چند این یادداشت تهدید صریحی را درباره کودتا دربر نداشت، ولی نفی این اقدام، خطر کودتا را آزر می داد. هر چه باشد، هشت سال قبل از آن تاریخ نیز، نظامیان، پس از تسلیم یادداشتی مشابه به دولت دمیرل، به کودتا دست زده بودند!

یادداشت نظامیان ترکیه به دولت، مورد

کودتای امریکائی در ترکیه چرا صورت گرفت؟

استقبال محافل بورژوازی بزرگ کشورهای امپریالیستی قرار گرفت. «هندزبلا» ارکن بورژوازی بزرگ جمهوری فدرال آلمان، در تاریخ پانزدهم دیماه ۱۳۵۸ نوشت:

«اینکه دولت فدرال تصمیم گرفته است که پیش از کمک مالی، بستناری نظامی ترکیه بشاید، اقدام صحیحی است. نه بخطر جنگ افروزی، بلکه برای آنکه قدرت نظامیان افزایش یابد».

«فرانکفورتر آلکمانیه تسایونگ» منتشره در آلمان غربی، از این نیز آشکارتر سخن گفت (۳۰ خرداد ۱۳۵۹):

«تنها استدلال موجهی که میشود به پشتیبانی از کمک نظامی و غیر نظامی (ترکیه) ارائه داشت، آنست که با حفظ چارچوب دموکراسی پارلمانی، میتوان در صورت لزوم آزادی عمل یابداران ثروت ترکیه، یعنی رهبران نظامی کشور را تامین ساخت. شاید این واقعیت برای دمکراتها زیاد خوش آیند نباشد، ولی اکثر جواب دیگر کوشش های ما چیزی جز مخلفات نیست».

یادآور میشویم که یکروز پیش از آن، «بوندستاگ» (پارلمان بن) پیشنهاد دولت رامینی و واگذاری ۱۷۰ میلیون مارک «کمک تسلیحاتی ویژه» به ترکیه در سال جاری تصویب کرده بود. دولت آلمان غربی قرار است، علاوه بر ۳۳۰ میلیون مارک باصطلاح کمک اقتصادی، در سالهای آینده ۴۹۰ میلیون مارک دیگر نیز به عنوان «کمک تسلیحاتی» به دولت ترکیه واگذار کند. برگزاری کفرانس وزیران خارجه «فاتو»

در ترکیه، در روزهای ۵-۴ تیر امسال، نوعی تمرین کودتای نظامی ۲۱ شهریور بود. چنانکه خبرنگار روزنامه «ملیت» در یک برنامه رادیویی گزارش داد، ۱۱ هزار سرباز، «بویژه از یگانهای که در مداخله قیوم لیاقت خود را بشیوت رسانیده بودند»، وظیفه «پاسداری» از محل کفرانس را بعهده داشتند. علاوه بر این، همه منطقه مربوطه بمحاصره درآمد و مدارس و موسسات دولتی بمدت دو روز تعطیل شد.

هر چند از مضمون مذاکرات محرمانه وزیران خارجه «فاتو» اطلاعاتی در دست نیست، یا اطمینان میتوان گفت که اهمیت استراتژیک فراینده ترکیه برای امپریالیسم، در این کفرانس نقش بزرگی داشته است.

پس از انقلاب شکوهمند ۲۲ بهمن ایران، که سربهای اسپمکین به یکی از بزرگترین مواضع امپریالیسم در خاورمیانه فرود آورد و از جمله، به برچیدن تجهیزات جاسوسی آمریکا علیه اتحاد شوروی انجامید، ترکیه به یکی از آخرین سنگرهای حیاتی استراتژی های «فاتو» در این منطقه تبدیل شد. ایالات متحده آمریکا هم اکنون ۶۱ پایگاه نظامی در ترکیه ایجاد کرده است. تازه این رقم یگانهای متعدد «فاتو» را در این کشور دربر نمیگیرد.

در تاریخ ۹ فروردین امسال قرارداد نظامی میان ترکیه و ایالات متحده آمریکا به امضاء رسید، که محتوی کامل آن حتی از پارلمان ترکیه مخفی ماند. نمایندگان پارلمان، از ۱۰۰ صفحه قرارداد، سه متمم و ۱۴ پروتکل مکمل تنها شش صفحه از این سند سنگین وابستگی را رویت کردند. اما چنانکه هفته نامه «نیواسپتسمن» (بریتانیا) فاش ساخت:

«بموجب این قرارداد، ایالات متحده آمریکا خواهد توانست خارج از مرزهای جغرافیای قراردادی «فاتو» نیز به عملیات نظامی دست بزند» روشن است که در اینجا مقصود تنها خاورمیانه و خلیج فارس نمیتواند باشد.

بموجب پیمان دوجانبه ای که ایالات متحده آمریکا در سال ۱۳۳۰ (همزمان با ایران و پاکستان) با ترکیه امضاء کرد، دولت آمریکا «حق» آن را یافته است که در صورت لزوم، به مداخله نظامی مستقیم در ترکیه بپردازد. روزنامه «جمهوریت» در تاریخ ۲ اردیبهشت امسال، در گزارشی از یکی از نشست های کمیسیون دفاع پارلمان ترکیه، نوشت:

«فازوق شاهین، نماینده وزارت خارجه، به واقعیتی که دولتهای ترکیه تاکنون منکر آن می شدند، بطور غیر مستقیم اذعان کرد. وی اعلام داشت که به سوال یکی از نمایندگان که: آیا چنین حتی برای ایالات متحده آمریکا وجود ندارد، نمیتواند پاسخ مثبت یا منفی بدهد».

البته تاکنون ایالات متحده آمریکا احتیاجی نداشته است که با استناد به قرارداد دوجانبه نظامی، به مداخله نظامی مستقیم در ترکیه مبادرت ورزد، چه پتاکون بیوسته توانسته است که هدف خود را در آنجا از طریق کودتاهای نظامی اعمال کند. چنانکه احسان صبری، یکی از وزرای خارجه پیشین ترکیه، درباره کودتای سبیه ساخته نسمال پیش در ترکیه نوشت:

«برای آمریکاییها مهم نیست که در کشورهای دیگر دولتی دمکراتیک، شونیست و یا حتی فاشیست حکومت میکند. برای آنها فقط این مهم است که این دولت آچه اندازه وابسته به ایالات متحده آمریکا و دست نشانده آن باشد. کودتای ۲۱ شهریور ۵۹ ترکیه بزرگترین این حقیقت را بشیوت رسانید».

چه کسانی...

بقیه از صفحه ۱

به این حملات دست زده اند، که خود غیر مستقیم و بدون آنکه متوجه باشند، از طریق محافل معینی تحریک شده اند. علت هر کدام از موارد بالا باشد، نتیجه حاصله یکی است: اولاً - این نظریه ثابت میشود که در ایران آزادی نیست، حتی برای مسلمانان!

ثانیاً - به حیثیت انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و رهبر و بنیادگذار آن و به خط امام لطمه وارد میشود.

ثالثاً - تفرقه و تشنج درگیری در جامعه تشدید میشود.

این زمینه روشن و اصولی و انقلابی است. حزب توده ایران قبل از هر چیز اقترای وارده به حزب ما را مبنی بر شرکت در چنین اعمال غیرقانونی و ضد انقلابی را قاطعانه محکوم و به شدت تکذیب میکند. در همانحال حزب توده ایران بار دیگر با صراحت تمام اعلام میکند که با هرگونه حمله، با هرگونه تشنج - آفریزی و درگیری، با هرگونه نقض قوانین کشور بشدت مخالف است، زیرا آنرا - صرف نظر از سوغیت و حسن نیت طراحان و اجرا کنندگان - عملا بسودامبر - یالیسم آمریکا و ضد انقلاب پرورده آن میدانند. بر اساس همین موضع اصولی است که ما، با اینکه با

مشئ سیاسی روزنامه «میزان» بهیچ ترتیب موافق نیستیم، اما با اشغال غیرقانونی آنهم مخالفیم و بهمین ترتیب است در مورد حمله به «کانون نشر حقایق» مشهد، که بهیچوجه قابل توجیه نیست. به نظر ما، همچنانکه مقامات مشول بدستی عمل کرده اند - چنانکه در مورد اشغال دفتر «جاما» هم انجام شده بود - مسلمانان این حملات باید دقیقا شناسائی شوند و بمجازات برسند و به افکار عمومی معرفی گردند. به نظر ما اگر با قاطعیت و بدون تبعیض در چارچوب قانون اساسی از هرگونه حمله، تجاوز و

اشغال، درگیری و تشنج جلوگیری شود، آنوقت در صورت بروز چنین حوادثی، ضد انقلاب بوضوح تمام شناخته خواهد شد و خلع سلاح خواهد گردید. فرصت را غنیمت بشماریم و یادآور میشویم که دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران و دفتر نامه «مردم» در تهران و مراکز حزب و دفتر نامه «مردم» در بسیاری از شهرستانها پیش از چهار ماه پیش توسط عناصر غیرمشول و افراد مشکوک اشغال شد و علیرغم اینکه این اعمال غیرقانونی و ضد انقلابی از جانب رئیس جمهور، رئیس مجلس، رئیس

دیوانعالی کشور، دادستان کل کشور و امام جمعه تهران محکوم شده است، ولی با کمال تاسف خانه های ما همچنان در اختیار ما نیست. ما از همه مقامات مشول مطالبیم که با اجترای دقیق و بدون تبعیض قوانین، خانه های حزب ما و دفتر نامه «مردم»، در اسرع وقت در اختیار ما گذاشته شوند. تردید نباید کرد که فقط رعایت دقیق و بدون تبعیض امنیت قضائی، قانونیت و آزادی برای همه وفاداران به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، بسود انقلاب و جمهوری اسلامی ایران خواهد بود.

شگرد کهنه امپریالیسم:

زدن بر چسب «کمونیستی» به جنبشها و انقلابهای رهایی بخش برای سرکوب آنها

مدتی است، و بویژه در این اواخر، لیرالها در ایران و نیز دستگاه تبلیغاتی امپریالیسم، هزار و یک زبان این دعوی را مطرح میکنند که گویا مسلمانان مبارز در ایران تحت تاثیر «توده ایها» قرار گرفته اند، آنها گویا از مشی سیاسی «توده ایها» پیروی میکنند، مبارزه آنها با لیرالیسم سازشکار به تلقین «توده ایها» انجام میگردد، اساسا لیرال و لیرالیسم اصطلاح مارکسیستی است و نباید بکار رود و الی آخر. این یک شگرد تبلیغاتی است که نه ویژه ایران است و نه تازگی دارد.

دستگاه تبلیغاتی امپریالیسم و همه مخالفان جنبشهای انقلابی رهایی بخش استقلال طلبانه، همواره کوشیده اند بر این جنبشها برچسب «کمونیستی» بزنند و هر نیروی انقلابی راستین ضد امپریالیستی و استقلال طلبانه را «کمونیستی» معرفی کنند. این بهره برداری از تبلیغات درازمدت ضد کمونیستی برای رسیدن به اهداف سیاسی است: جدا کردن جنبشهای رهایی بخش از متحدان طبیعی آنها، یعنی کشورهای سوسیالیستی و جنبش جهانی کمونیستی و کارگری در عرصه بین المللی، جدا کردن و ایجاد تقابل بین نیروهای راستین انقلاب رهایی بخش و پیروان سوسیالیسم علمی (کمونیستی) اصل) در داخل هر کشور به قصد شکستن جنبشها و انقلابهای رهایی بخش. موضوع را کمی بشکافیم، تا روشنی شود. بیش از یک قرن است که دستگاه تبلیغاتی بورژوازی جهانی بر ضد جنبش کارگری ضد سرمایه داری و تئوری

اینست که این پندار در اذهان جا گرفت، امپریالیسم از آن برضد جنبشهای رهایی بخش استقلال طلبانه بهره برداری میکند. با زدن برچسب «کمونیستی» به این جنبشهای رهایی بخش و با زدن برچسب «کمونیستی» به نیروی انقلابی راستین ضد امپریالیستی و با زدن برچسب «کمونیستی» به هر مبارز صدیق و بیکیفر ضد امپریالیستی، امپریالیسم سعی میکند جنبشها و انقلابهای رهایی بخش را از کشورهای سوسیالیستی جدا و منفرد کند، نیروها و مبارزان راستین ضد امپریالیستی و استقلال طلب را از توده ها از یکسو و از پیروان راستین سوسیالیسم علمی - رزندگان بگیرد ضد امپریالیسم از سوی دیگر، جدا کند، اتحاد طبیعی این دو نیروی انقلابی را در مبارزه مشترک استقلال طلبانه درهم شکند، هر یک را جداگانه تضعیف کند، تا بتواند هر دو را یک یک بکوبد.

یا توجه بدانچه که بالا جمال گفته شد، دیگر فهم انگیزه و هدف سیاسی الصاق برچسب «توده ای»، به نیرو و هر مبارز راستین ضد امپریالیستی دشوار نیست. وقتی بورژوازی لیرال ایران، ملهم از تبلیغات امپریالیستی، مدعی میشود که نیروهای راستین انقلابی مسلمان «توده ای» شده اند، تحت تاثیر «توده ایها» قرار گرفته اند، از مشی «توده ایها» پیروی میکنند، هدفش اولاً

انسان، دشمن آزادی، دشمن استقلال، دشمن عدالت، دشمن خلق، دشمن مذهب، وابسته بهمان نظام کدافی، عامل خارجی، ستون پنجم و بی وطن اند! این محصول تبلیغات درازمدت، بی انتطاع و رنگارنگ امپریالیسم بر ضد نظام سوسیالیستی و بر ضد تئوری سوسیالیسم علمی و پیروان این تئوری است.

امپریالیسم برای لجن مال کردن سوسیالیسم و پیروان سوسیالیسم علمی تنها به تبلیغات اکتفا نمیکند. گروهک های متعدد و رنگارنگی میسازد همه به نام «کمونیست»! وظیفه اصلی و همگانی این «کمونیستهای» ضد کمونیسم، بدنام کردن سوسیالیسم و کمونیستها است. اینان در کشور ما برای رسیدن به مقصود خود را مجاز به هر عملی میدانند، از اشاعه شمارهای انحرافی گرفته تا خرمن سوزی، از تبلیغ ضد شوروی گرفته تا اوباشگری در کوچه و خیابان، از یخس نثریات ضد مارکسیستی بنام مارکسیسم گرفته تا همکاری مسلح عریان با ضد انقلاب عریان.

امپریالیسم با آن تبلیغات و این عمل، سوسیالیسم، پیروان سوسیالیسم علمی یا «کمونیسم» و کمونیستهای اصل را در ذهن افشار معینی از توده های مردم آتی معرفی میکند که باید از آن پرهیز کرد، علیه آن برخاست، آنرا طرد کرد، و

مارکسیسم، و بیش از ۶۰ سال است بر ضد نظام اقتصادی اجتماعی سوسیالیستی، که نخستین بار در روسیه جایگزین نظام سرمایه داری امپریالیستی شده، تبلیغ میکند. این تبلیغ، که همواره با وسعت بیشتر و بر تنگهای مختلف و با شکستن حدنصاب هر گونه دروغ سازی و دروغ پردازی انجام گرفته و میگردد، از «کمونیسم» و از نظام اقتصادی اجتماعی سوسیالیستی ازدهایی ساخته، که از بیم آن باید بماند سرمایه داری امپریالیستی پناه برد! این نظام «سوسیالیستی» ساخته تبلیغات امپریالیستی، نظامی است که در آن فجایعی صورت میگردد که تاریخ انسان و حیوان بخورد ندیده است. بنا به این تبلیغات، در این نظام، استثمار و ظلم و ستم از بین نرفته که سهل است، آزادی و حق نفس کشیدن از مردم سلب شده که هیچ، رفاه و زندگی که وجود ندارد بجای خود، پیران را به دریا میریزند، زنان را «داشتر آکی» کرده اند، کودکان را «دولتی» کرده اند، مومنان به مذاهب را قطعه قطعه کرده اند، زندان و شکنجه گاه بزرگی ساخته اند که جهنم در قیاس با آن بهشت برین است! و اما کمونیستها و مارکسیستها، جانوران آدمخواری هستند یا چهار چشم آنتین و دندانهای گراز گونه، که نفس آنها انسان را خاکستر میکند و هستی را میسوزاند! آنها، در بهترین حالت، دشمن

اتیبوی انقلابی در مبارزه با ارنیه شوم استعمار و امپریالیسم قاطعانه پیش می رود

در پی تعطیلات یک ماهه، صدها هزار نفر از شرکت کنندگان در کلاسهای مبارزه با یسواد در اتیبوی بار دیگر به سر کلاسها رفتند. این کلاسها با ینکار جمعیت های دهقانی، کارگری و غیره در سرتاسر روستاها، کارخانه ها و سرایزخانه ها تشکیل شده است... تا قبل از انقلاب، بیش از ۹۰ درصد مردم اتیبوی بی سواد بودند. مراحل اول برنامه سواد آموزی اکنون به پایان رسیده و مسئله مهم، افزایش میزان دانش میلیون ها تن از افرادی است که مراحل مقدماتی سواد آموزی را پشت سر گذاشته اند... هزاران تن از دانشجویان و دانش آموزان دبیرستانها و دیگر قشرهای تحصیل کرده به روستاها رفته اند. در سرتاسر کشور برای ساختن مدارس جدید، کمکهای مالی جمع آوری میشود و در این راه کشورهای سوسیالیستی کمکهای ذیقیمتی در اختیار خلق اتیبوی قرار میدهند.

مرحله چهارم سواد آموزی در اتیبوی در حالی آغاز میشود که دولت انقلابی اعلام کرده است که تا چند سال دیگر یسواد بطور کلی در کشور ریشه کن خواهد شد. علیرغم توطئه ها و تجاوزات مسلحانه از خارج، خلق اتیبوی مسین انقلاب را با موفقیت طی می کند.

کمیته اجرائی اتحادیه بین المللی دانشجویان: خلقها هر چه بیشتر برای حفظ تشنج زدائی و خنثی کردن توطئه های امپریالیستی از خود قدرت نشان میدهند

کمیته اجرائی اتحادیه بین المللی دانشجویان در گزارشی به سیزدهمین کنگره این اتحادیه، که در برلین تشکیل شده است، اعلام کرد:

«باتوجه به تحولات خطرناک در جهان، خلقها هر چه بیشتر برای حفظ تشنج زدائی و خنثی کردن توطئه های امپریالیستی از خود قدرت نشان میدهند».

در گزارش همچنین آمده است: «این اتحادیه حداکثر تلاش خود را بعمل آورده است، تا شرکت دانشجویان در مبارزه خلقها برای صلح و خلع سلاح، هر چه بیشتر تامین شود و مبارزه دانشجویان برای خلع سلاح، که از طرف این اتحادیه انجام میشود، بطور عمده همین هدف را در مد نظر دارد. این گزارش همچنین تصمیم کنگره دوازدهم را در مورد دست زدن به مبارزه زین شعار: «آموزش یک حق است، نه یک امتیاز» و مبارزه برای اصلاح و دمکراتیک شدن آموزش، مورد تأیید قرار داد. همچنین در جریان کنگره اعلام شد که یک تیم از دانشجویان اتحادیه، مدت ۶ ماه در نیکاراگوئه آزاد شده به کاز سواد آموزی مردم این کشور اشتغال داشتند».

ویتنام قهرمان آماج حملات های برتری طلبان چین

برتری طلبان یکن همچنان به تجاوز علیه خلق قهرمان ویتنام ادامه میدهند. خیرگزاری ویتنام گزارش داد: «در چند روز گذشته تویخانه چین به گلوله باران چند ناحیه مرزی آذوقه داد. همچنین یک واحد نظامی چین وارد خاک ویتنام شد و تلاش کرد که محصولات کشاورزی روستاها ویتنام را غارت کند، ولی گارد مرزی ویتنام و مردم محلی متجاوزین را وادار به فرار کردند».

اسناد رسمی مداخله امپریالیسم و ارتجاع در امور اشغالیستان، در سازمان ملل متحد منتشر شد

دکتاب سبز دولت افغانستان در مجمع عمومی سازمان ملل، به عنوان سند رسمی منتشر شد. این کتاب حاوی صدها عکس و سند زنده از مداخله امپریالیسم آمریکا، ارتجاع عرب، رژیم دست نشانده پاکستان و نیز برتری طلبان یکن در امور داخلی افغانستان است. از جمله در این کتاب نشان داده میشود که چگونه باند های مزدور افغانی در پاکستان آموزش می بینند و به افغانستان فرستاده میشوند.

از سوی دیگر شاه محمد دوست، وزیر خارجه افغانستان، در سخنان خود در مجمع عمومی سازمان ملل متحد گفت: مداخله ارتجاع جهانی و امپریالیسم در امور داخلی افغانستان ادامه دارد اما مردم افغانستان مصمم اند علیرغم این توطئه ها راه برگزیده شده خود را تا آخر ادامه دهند...»

اثرایش قدرت تجاوزی امپریالیسم آمریکا در منطقه زیر پوشش «خطر شوروی»!

همزمان با تحریکات نظامی جدید آمریکا در منطقه، مانور نظامی در مصر و افزایش حضور نظامی در اقیانوس هند و خلیج فارس، رسانه های گروهی امپریالیستی برای منحرف ساختن توجه خلقهای منطقه دست به بازی دیگری زدند. این رسانه ها از قول چند روزنامه چاپ کویت اعلام کرده اند که گویا نیروهای اتحاد شوروی در ین دیکر اتیک تقویت شده اند و شوروی سرگرم ساختن پایگاه در این منطقه است.

اصولا هر زمان که امپریالیسم آمریکا فعالیت و توطئه های نظامی جدیدی را در منطقه آغاز می کند، اراجیسی از قبیل «خطر شوروی» توسط بنگاههای سخن پراکنی کشورهای امپریالیستی بطور وسیعی پخش میشود. بعنوان مثال، در آستانه امضاء موافقتنامه های نظامی آمریکا با عمان و سومالی، ناگهان خبر «اثرایش حضور نظامی شوروی در ین جنوبی» منتشر شد. بعد از استقرار آواکسهای آمریکایی در عربستان سعودی نیز گزارش مشابهی به سراسر جهان مخابره شد و سرانجام اکنون، در بجهت تحریکات جدید آمریکا در منطقه و مانور سیاه و اکتی سریع در مصر، این اراجیص بطور وسیعی منتشر میشوند.

برتری طلبان چین نیز رژیم ارتجاعی ضیاءالحق را مسلح می کنند

تصمیم دولت چین در مورد ارسال سلاحهای نظامی از جمله هواپیماهای شکاری و موشکهای زمین به هوا به رژیم دست نشانده ضیاءالحق در پاکستان، در بسیاری از کشورهای آسیایی بعنوان گام دیگری در تحکیم اتحاد نظامی میان پاکستان و برتری طلبان یکن تلقی شده است.

در اوایل سال جاری فرمانده نیروی هوایی پاکستان از چین دیدن کرد و موافقتنامه مربوط به تحویل سلاح از سوی چین به پاکستان را امضاء کرد. در حال حاضر فرمانده کل نیروی هوایی چین در پاکستان بسر می برد. تصادفی نبود که این دیدار با مانورهای هوایی پاکستان همزمان شده است. جامطلبی های نظامی پاکستان از نیازهای دفاعی آن کشور تجاوز کرده است. رژیم پاکستان اکنون حدود ۶۰ درصد بودجه کشور را صرف تقویت نیروی نظامی می کند. از سوی دیگر رژیم پاکستان فرستی از سلاحهای مدرن به مقام های غربی تسلیم کرده است. قرار است بودجه این سلاحها از سوی عربستان سعودی تامین شود. نظامی کردن پاکستان از چند کنیال، از طریق چین، کشورهای عضو پیمان ناتو و رژیم های ارتجاعی عرب صورت می گیرد.



برای مقابله با تجاوز نظامی آمریکا، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

نامه مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز
و مدیر مسئول:
موجهر بهزادی
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸
(دفتر نامه مردم)
هنوز در اختیار
نامه مردم نیست

NAMEH MARDOM
No. 378
25 November 1980

Price:
West-Germany 0.80 DM
France 2 Fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 Fr.
Italy 350 L.
U.S.A. 40 Cts.
Sweden 1.50 Skr.

خوانندگان گرامی نامه مردم و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرس زیر با نامه مردم مکاتبه کنند:

صندوق پستی
۱۴/۳۵۵۱، منطقه
۱۴ پستی تهران